

مہجرات امام زمان علیہ السلام

از تالیفات
محمد ہمدی تاج کنکرودی
(واعظ)

معجزات امام زمان علیه السلام

از تألیفات

محمد مهدی تاج «لنگرودی»

واعظ

تمام حقوق برای نویسنده محفوظ است

شناسنامه کتاب

معجزات امام زمان (عج)	نام کتاب
محمد مهدی تاج لنگرودی واعظ	نویسنده
هما رایانه	حروفچینی
آریا	لیتوگرافی
چاپخانه حیدری	چاپ
مینو	صحافی
اول	نوبت چاپ
۳۰۰۰	تیراژ
دفتر نشر ممتاز	ناشر
پائیز ۱۳۸۰	تاریخ نشر

شابک: $\frac{964-5712-18-1}{IS8N}$

تاج لنگرودی، محمد مهدی، ۱۳۱۰ -
معجزات امام زمان علیه السلام / از تالیفات محمد مهدی
تاج لنگرودی واعظ. - تهران: دفتر نشر ممتاز، ۱۳۸۰.
۲۰۸ ص.

ISBN 964-5712-18-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. ۱۱ - ۱۲؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -
معجزات. ۲. احادیث شیعه - - قرن ۱۴. ۳. چهارده
معصوم - - معجزات. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

م ۲ / ۳۵ / BP۵۱

۱۴۳۱۲ - ۸۰م

کتابخانه ملی ایران

محل نگهداری

فهرست کتاب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۳	مقدمه
۱۷	معنای لغوی معجزه
۱۷	معجزه برای چیست؟
۱۹	نمونه‌هایی از معجزات انبیاء
۲۴	نمونه‌ای از معجزه پیامبر اسلام (ﷺ)
۲۵	نمونه‌ای از معجزه غیر باقیه
۲۶	تکذیب معجزه از جانب مخالفین
۲۷	معجزات پیشوایان معصوم
۲۷	نمونه‌ای از معجزه حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)
۲۹	نمونه‌ای از معجزات امام حسن (علیه السلام)
۳۱	نمونه‌ای از معجزات امام حسین (علیه السلام)
۳۲	نمونه‌ای از معجزات امام زین العابدین (علیه السلام)
۳۴	نمونه‌ای از معجزات امام محمد باقر (علیه السلام)
۳۶	نمونه‌ای از معجزات امام صادق (علیه السلام)

- ۳۷ نمونه‌ای از معجزات امام موسی کاظم (علیه السلام)
- ۴۰ نمونه‌ای از معجزات امام رضا (علیه السلام)
- ۴۱ نمونه‌ای از معجزات امام جواد (علیه السلام)
- ۴۳ نمونه‌ای از معجزات امام هادی (علیه السلام)
- ۴۵ نمونه‌ای از معجزات امام حسن عسکری (علیه السلام)
- ۴۸ معجزات امام زمان «عج»
- ۴۹ معجزه امام زمان «عج» در زمان پدر
- ۴۹ سخن گفتن امام زمان در رحم مادر
- ۵۲ سخن گفتن امام زمان (علیه السلام) بعد از ولادت
- ۵۳ سخن گفتن حضرت علی (علیه السلام) در گهواره
- ۵۴ سخن گفتن حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در گهواره
- ۵۶ سخن گفتن امام زمان (علیه السلام) بعد از ولادت
- ۵۸ خبر از اراده خداوند سبحان
- ۶۰ خواندن کتب و صحف آسمانی روز هفتم ولادت
- ۶۱ امام زمان (علیه السلام) در کودکی خود را (بقیة الله) معرفی فرمود
- ۶۲ نجات این شخص را بخوانید

۶۴ سعد بن عبدالله در پیشگاه امام زمان (علیه السلام)
۷۱ معجزات امام زمان (علیه السلام) در زمان غیبت صغری
۷۱ غیبت صغری چیست؟
۷۲ امامت از زمان صباوت
۷۵ وقتی که میخواستند امام زمان را دستگیر کنند
۷۶ راهنمایی به خیر و صلاح
۷۹ چهار نامه برای امام زمان (علیه السلام)
۸۰ شخصی که میخواست امام او را شناسد
۸۱ خبر از موالید
۸۳ شخصی که در سفر حج از قافله عقب مانده بود
۸۵ معجزه‌های از امام زمان (علیه السلام) در کنار کعبه
۸۶ نتیجه سوء قصد به امام زمان (علیه السلام)
۸۸ دعاهای امام زمان (علیه السلام) درباره علی بن بابویه
۹۰ پیشگیری از خطرهای حتمی
۹۱ خبر از ذهنیت‌های مردم
۹۲ اطلاع غیبی امام زمان (علیه السلام)

۹۵ معجزات امام زمان (علیه السلام) در زمان غیبت کبری
۹۵ حضور پیش از ظهور
۹۸ عیانی و نهانی
۱۰۰ بی اثر بودن گذشت زمان در امام زمان (علیه السلام)
۱۰۱ دید معجزه آسا
۱۰۲ علامه حلی (ره) در خدمت امام زمان (علیه السلام)
۱۰۵ شفای بیماری که از همه جا نا امید بود
۱۱۴ شفای این زن نابینا را بخوانید
۱۱۷ شفای این مرد را بخوانید
۱۱۹ حمایت از حامیان حضرت علی (علیه السلام)
۱۲۱ منجی دنیا
۱۲۳ معجزات امام زمان (علیه السلام) در زمان ظهور
۱۲۳ سخن گفتن درفش امام زمان (علیه السلام)
۱۲۵ سخن گفتن شمشیر امام زمان (علیه السلام)
۱۲۷ شمشیر امام زمان (سری از اسرار)
۱۳۰ شمشیر در برابر سلاح‌های روز!!

۱۳۱	ویژگی های شمشیر
۱۳۲	قدرت تخریبی سربازان امام زمان (عجله الله تعالی فرجه)
۱۳۳	اعلام ظهور امام زمان به تمام زبان های دنیا
۱۳۵	تجمع یکشنبه در مکه مکرمه:
۱۳۶	حضور معجزه آسای جوانان شیعه در مکه
۱۳۹	در انتظار
۱۴۱	جوانان اصحاب کهف در رکاب امام زمان (عجله الله تعالی فرجه)
۱۴۲	تعداد زنانی که از یاران امام زمانند
۱۴۳	فرار مشرکین هنگام ظهور امام زمان (عجله الله تعالی فرجه)
۱۴۴	سپاه ترس و وحشت
۱۴۶	لشگرهای نامرئی خدا
۱۴۹	آنگاه که مخفیگاه ها سخن میگویند
۱۵۰	امکانات و امدادهای الهی در زمان ظهور امام زمان (عجله الله تعالی فرجه)
۱۵۲	مردم دنیا در مرئی و منظر امام زمان (عجله الله تعالی فرجه)
۱۵۳	خاطره ای از امام حسین (عجله الله تعالی فرجه) و ام سلمه
۱۵۶	نصرت خداوندی به وسیله آیات و معجزات

- آیا دوست دارید از اصحاب امام زمان (علیه السلام) باشید؟ ۱۵۷
- روز و وصل ۱۵۸
- معجزات امام عصر (علیه السلام) در زمان قیام و انقلاب ۱۶۱
- خطبه غدیریّه و خبرهائی از امام زمان (علیه السلام) ۱۶۱
- امام زمان (علیه السلام) و حکومت جهانی ۱۶۲
- عدل جهانی ۱۶۴
- امنیت جهانی زمان حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) ۱۶۵
- رفع هرگونه ظلم و ستم ۱۶۶
- سفرهای فضائی و آسمانی ۱۶۸
- بادهای صرصر در اختیار امام زمان (علیه السلام) ۱۷۰
- تصرف در عقول و افکار مردم ۱۷۲
- اقامتگاه امام زمان (علیه السلام) ۱۷۳
- حلّ مشکلات بوسیله امام زمان (علیه السلام) ۱۷۴
- سیمای بی سایه ۱۷۵
- تسلط کامل به همه زبانها ۱۷۶
- داوری بین یهود و نصاری ۱۷۸

۱۷۹ قاضی‌های عصر امام زمان (عج)
۱۸۰ عمران و آبادی در عصر ظهور
۱۸۱ آشکار شدن گنجهای پنهان
۱۸۲ پیروزی جهانی و سلطنت ابدی
۱۸۴ امام زمان (علیه السلام) و معجزات انبیاء
۱۸۵ مرکب ابر، یا بُراق نور
۱۸۵ وسایل همراه
۱۸۶ موفقیت‌های معجزه‌آسا
۱۸۸ سرور و خوشحالی اهل آسمان و زمین
۱۸۹ امام زمان (علیه السلام) و اصحاب کهف
۱۹۰ از عجائب معجزات امام زمان (علیه السلام)
۱۹۲ قدرت فوق العاده امام زمان (عج)
۱۹۳ تأثیر اشاره امام زمان (علیه السلام) در پرندگان
۱۹۴ درخت‌کاری و سرسبزی و بهره‌برداری
۱۹۶ خستگان عشق
۱۹۷ دانستی‌هایی در رابطه با امام زمان (علیه السلام)
۲۰۸ سپاسگزاری

مدارک و ماخذ کتاب

نام کتاب	نویسنده کتاب
آخرین سفیر انقلاب	ذبیح الله محسنی کبیر
اصول کافی	محمد بن یعقوب کلینی
احتجاج	احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی
بحار الانوار	علامه محمد باقر مجلسی
البرهان فی علامات المهدی	مقی هندی
جلاء العیون	علامه محمد باقر مجلسی
حقّ الیقین	علامه محمد باقر مجلسی
خزینة الجواهر	شیخ علی اکبر نهاوندی
خلوتگاه راز	حبیب چایچیان
دیوان راهیان نور	نادعلی کربلائی
روزگار رهائی	علی اکبر مهدی پور
شرح نهج البلاغة	ابن ابی الحدید
غیبت نعمانی	محدث بن ابراهیم نعمانی
کمال الدین	شیخ صدوق

المنجد	يسوعى
معارف و معاريف	سيد مصطفى حسيني دشتى
ميزان الحكمة	محمدي ري شهرى
منتهى الآمال	حاج شيخ عباس قمى
مناقب	ابن شهر آشوب
منتخب الاثر	آية الله لطف الله صافى
ناسخ التواريخ	محمد على سپهر
نواب اربعة	عباس راسخى نجفى
يوم الخلاص	كامل سليمان

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از بهترین نعمتهای الهی توفیقات او است که بیش و کم نصیب بندگانش می‌شود، ولی همه توفیقات را به یک نفر نمی‌دهند،

مشاهدات و مطالعات ما نشان می‌دهد که بعضی در عبادت، گروهی در ریاضت، عده‌ای در تعلیم و تربیت و افرادی در تحصیلات حوزه‌ای و یا دانشگاهی و بعضی در مطالعه و نوشتن، و دانشمندانی در اکتشافات و اختراعات و اشخاصی در امور خیریه و کارگشائی‌ها و و موفقند، حقیر هم به نوبه خود از الطاف خداوندی بهره‌مندم و در همه

امور خدا را شکر می‌کنم و شکرگزاری هم یک وظیفه است

ولی بر اساس نسبی بودن امور باید مطالعه و نوشتن و به طبع رساندن و انتشار آنها را یکی از بزرگترین توفیقات الهی بدانم که نصیب حقیر گردیده است، در هر حال از الطاف خداوند متعال سرورم ولی زمانی بر سرورم افزوده میشود که پروردگار متعال این خدمات را بپذیرد

اما موضوع کتاب

به همان نحوه‌ای که ملاحظه می‌فرمائید موضوع کتاب معجزات امام «عج» است و حال آنکه دو کتاب بنامهای سیمای امام زمان و پیامهای امام زمان نوشته بودم و شاید باز از این توفیقات پیش آید انشاءالله تعالی، و گاهی از خودم می‌پرسم که چرا در رابطه با حضرت امام عصر «عج» کتاب نوشته‌ام و حال آنکه دیگران بهتر نوشته‌اند و باز می‌نویسند

شعری که مطالعه و ملاحظه می‌فرمائید موجب آرامش حقیر است

دید مجنون را یکی صحرانورد
 کاندرون بادیه بنشسته فرد
 صفحه‌ای از خاک و انگشتان قلم
 نام لیلی می‌نوشتی دم‌بدم
 گفت کای مجنون شیدا چیست این
 این که نامش می‌نویسی کیست این
 گفت: نام مشق لیلی می‌کنم
 خاطر خود را تسلی می‌کنم
 چون میسر نیست بر من کام او
 عشق‌بازی می‌کنم با نام او

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

به امید درک محضر شریف حضرت ولی عصر
 عجل الله تعالی فرجه الشریف

محمد مهدی تاج «لنگرودی»

واعظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب حاضر را که مطالعه میفرمائید درباره معجزات امام زمان ما حضرت مهدی عَجَلَّ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ است که تدوین کتاب مستقل اینچنینی سابقه ندارد، قبل از ورود در محتوای کتاب لازم است معجزه را از ابعاد مختلفه بررسی نموده آنگاه به اصل مطلب پردازیم

- ۱- معنای لغوی معجزه
- ۲- معجزات انبیاء
- ۳- معجزات اوصیاء
- ۴- معجزات امام زمان (ع)

معنای لغوی معجزة

الْمُعْجِزَةُ أَمْرٌ خَارِقٌ الْعَادَةِ^(۱)

معجزه یک کار غیر عادی است.

توجیه دیگر

در بعضی از کتاب‌ها معجزه را اینگونه توجیه کرده‌اند:
(معجزه: عاجز کننده)

آنچه نبی یا وصی نبی در مقام دعوی نبوت یا وصایت به ظهور آرد و خصم را از آوردن مانند آن عاجز سازد، امری خارق عادت که از پیغمبر یا وصی او بروز کند که خلق از آوردن مثل آن ناتوان بوند، و هاء در کلمه برای مبالغه است^(۲)

معجزه برای چیست؟

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُعْجِزَةُ عَلَامَةٌ لِلَّهِ، لَا

يُعْطِيهَا إِلَّا أَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ وَحُجَجَهُ،
لِيُعْرَفَ بِهِ صِدْقُ الصَّادِقِ مِنْ كِذْبِ
الْكَاذِبِ^(۱)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: معجزه نشانه خداست و آن را تنها به پیامبران و فرستادگان و حجتهای خود می دهد تا به وسیله آن راست راستگو از دروغ دروغگو شناخته شود،

پس بنابر این معجزه برای شناخت حضرات انبیاء و امامان است

روایت دیگر در همین رابطه

ابوبصیر گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم به چه علت خداوند متعال معجزه را در اختیار پیامبران و شما (پیشوایان معصوم) قرار داد؟ فرمود: تا دلیل باشد بر

صدق دعوی آنکه گوید: من از جانب خدا می باشم، و معجزه آیت خدا است که جز به دست پیامبران و حجتهای خود بر روی زمین نسپارد، تا بدین وسیله راستی راستگو و دروغ دروغگو ثابت گردد^(۱)

نمونه‌هایی از معجزات انبیاء

حضرت موسی علیه السلام عصای خود را به سنگ زد و دوازده چشمه از آن جاری گردید، چنانچه در قرآن مجید به همین مطلب اشاره شده

وَ إِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ، فَقُلْنَا اضْرِبْ
بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ
عَيْنًا، قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ...^(۲)

زمانیکه موسی برای قوم خود طلب آب کرد و ما به او

۱- معارف و معاریف جلد ۹ صفحه ۴۸۹

۲- سوره بقره آیه ۶۰

دستور دادیم که عصای خودت را به سنگ بزن، پس دوازده چشمه از آن سنگ بیرون آمد، و همه مردم دانستند از کجا آب بیاشامند

و یا آن زمانی که عصا به دریا زد و طوری شکافته گردید که بنی اسرائیل از آن عبور کردند، چنانچه در قرآن مجید به همین مطلب اشاره شده:

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ
الْبَحْرَ فَأَنْفَلَقَ فَمِنْ كُلِّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ
الْعَظِيمِ^(۱)

به موسی وحی فرستادیم که عصایت را به دریا بزن وقتی که زد، دریا شکافته شد و آب هر قطعه از دریا مانند کوهی بزرگ گردید

و یا حضرت یوسف (عَلَيْهِ السَّلَامُ) که به وسیله پیراهن خود نابینائی حضرت یعقوب را مرتفع نمود، و در قرآن مجید هم آمده:

إِذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوَّةُ عَلَى وَجْهِ أَبِي
يَأْتِ بِصَبِيرًا... (۱)

پیراهنم را نزد پدرم یعقوب ببرید و بر روی او بیفکنید
تا دیدگانش بینا شود،

مگر این حضرت داود نبود که با انگشتان خود آهن را
نرم کرده و زره می ساخت، خداوند متعال در قرآن مجید
از این جریان خبر داد

وَ النَّالَةُ الْحَدِيدَ ۝ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَ قَدَّرَ
فِي السَّرْدِ وَ أَعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ
بَصِيرٌ (۲)

ما آهن را برایش نرم گردانیدیم و دستور دادیم که از آهن
زره بسازد و حلقه های زره را یک اندازه و یک شکل
گردان و خودت با قومت صالح و شایسته باشید و من به
کردارتان بصیر و آگاهم

و همچنین جریان حضرت سلیمان که بادهای تند و

ابرها در اختیار وی بودند،

وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ^(۱)

باد تندسیر (صرصر) را مسخر سلیمان قرار دادیم تا با امر او جریان پیدا کند.

و در آیه دیگر می فرماید:

وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَ رَوَاحُهَا

شَهْرٌ^(۲)

و باد را مسخر سلیمان قرار دادیم، صبحگاه یکماه راه و عصرها یک ماه راه را می پیمود

و یا در باره مسخر بودن جن در دست با قدرت حضرت سلیمان می فرماید

وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ^(۳)

بعضی از جن در خدمت حضرت سلیمان بودند با اذن و اجازه پروردگارش

۱- سوره انبیاء آیه ۸۱

۲- سوره سباء آیه ۱۲

۳- سوره سباء آیه ۱۲

حضرت عیسیٰ مسیح علیه السلام نیز معجزات فراوانی داشته که در قرآن مجید آمده:

و رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ
بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ
كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَانْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ
وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْيِي الْمَوْتَىٰ
بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ
فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ (۱)

و او (عیسی علیه السلام) را برای بنی اسرائیل رسول قرار داد و فرمود من با آیت و نشانه‌ای نزد شما آمدم و آن این است که از گل مرغی ساخته و در وی میدم و او مرغ میشود به اذن و اجازه خدایم و کور مادرزاد و بیماریهای برصی را شفا میدهم و مرده را زنده می‌کنم با اجازه خدایم و از آنچه که میخورید و در خانه‌هایتان ذخیره کرده‌اید خبر

می‌دهم، در این کار آیت و نشانه‌ای است برای شما اگر مؤمن باشید

نمونه‌ای از معجزه پیامبر اسلام ﷺ

معجزه حضرت رسول صلوات الله و سلامه علیه بر دو قسم است باقیه (جاودانه) و غیر باقیه (در صورت لزوم مورد استفاده قرار می‌گرفت و دیگر وجود خارجی ندارد) اما معجزه جاویدان حضرت رسول صلوات الله و سلامه علیه قرآن مجید است که در آیه‌ای از آیات قرآن مجید اعلام شد:

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا
بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا^(۱)

بگو: اگر انس و جن جمع شوند و بخواهند مثل این

قرآن بیاورند نمی‌توانند اگر چه بعضی از آنها با بعضی دیگر همدست شوند و به همدیگر کمک نمایند و در بعضی از آیات دیگر هم نظیر این آیه آمده است که بیان تمام آنها لزوم نداشت

نمونه‌ای از معجزه غیر باقیه

از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت شده که روزی پیامبر بزرگوار اسلام از کنار خیمه‌ای عبور می‌کرد، آهوئی را دید که کنار خیمه بسته بود، وقتی آهو حضرت رسول را دید به زبان آمد و گفت: یا رسول الله من دو برّه تشنه دارم که در بیابان منتظر من هستم و این پستانم پر از شیر است، اجازه بفرمائید مرا آزاد کنند که بچه‌هایم را شیر بدهم و سپس باز گردم حضرت از او تعهد گرفت که باز گردد آنگاه آزادش ساخت پس از چندی برگشت، صاحب آهو که مردی منافق بود وقتی این معجزه را از آن حضرت دید ایمان

آورد و آهورا رها کرد^(۱)

تکذیب معجزه از جانب مخالفین

گر چه درباره معجزات پیامبران تکذیب زیادی از جانب مخالفین انجام میشد ولی درباره حضرت رسول اکرم محمد بن عبدالله صلوات الله و سلامه علیه در قرآن مجید اینچنین آمده:

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا أَوْ يَقُولُوا سِحْرٌ
مُسْتَمِرٌّ، وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ^(۲)

این دو آیه موقعی نازل شد که رسول خدا ﷺ با انگشت اشاره کرد و ماه دو نیم گردید، گفتند: این سحر کامل است و تکذیب کردند و از هواهای نفسانی خود پیروی نمودند.

ناگفته نماند که در رابطه با معجزه غیر باقیه حضرت

رسول اکرم ﷺ کتابهای بسیاری نوشته شده که ما از میان تمام آنها یکی را انتخاب نموده که خواندید.

معجزات پیشوایان معصوم

در رابطه با معجزات حضرات انبیاء و پیامبران الهی به اندازه لازم از قرآن مجید استفاده کردیم، اینک به نمونه‌هایی از معجزات حضرات امامان شیعه می‌پردازیم تا در نتیجه از فیض معجزات قطب عالم امکان امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ هم بهره‌مند شویم

نمونه‌ای از معجزه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

شخصی بنام عبدالواحد بن زید گفت: در کنار کعبه مشغول به طواف بودم دختری را دیدم برای خواهر خودش سوگند یاد می‌کرد و میگفت:

لَا وَحَقُّ الْمُنتَجَبِ بِالْوَصِيَّةِ، الْخَاكِمِ
بِالسُّوِيَّةِ الْعَادِلِ فِي الْقَضِيَّةِ، الْعَالِي الْبَيْنَةِ،
زَوْجِ فَاطِمَةَ الْمَرْضِيَّةِ مَا كَانَ كَذَا

قسم به کسی که وصی پیغمبر بود، در حکومت مساوات را مراعات می کرد، در قضاوت عادل بود، منطوق و بینه و برهانش در حدّ اعلا بود همسر فاطمه مرضیه است، اینطور نیست که تو می گوئی

من در تعجب و شگفتی قرار گرفتم که آن دختر کوچک چگونه حضرت علی علیه السلام را اینگونه یاد می کند و مدح و سوگندش با هم توأم است، نزدیک او رفتم و گفتم: آیا علی علیه السلام را می شناسی که اینگونه از او تمجید و تعریف و مدح میکنی؟

گفت: چگونه نشناسم کسی را که پدرم در جنگ صفین در رابطه با یاری او کشته شد و از آن وقت ما یتیم شدیم، روزی آنحضرت به خانه ما آمد و از مادرم احوال پرسید مادرم عرض کرد: حال ما خوب است، آنگاه مرا و

خواهرم را که اینک اینجا حاضر است خدمت آقا
علی علیه السلام برد، در حالی که بیماری آبله چشمم را نابینا
کرده بود،

وقتی که نگاه حضرت بر من افتاد، آهی کشید و گفت:

مَا إِنْ تَأَوَّهْتَ مِنْ شَيْءٍ رُزِيتُ بِهِ

كَمَا تَأَوَّهْتَ لِأَطْفَالٍ فِي الصَّغَرِ

قَدْ مَاتَ وَالِدُهُمْ مَنْ كَانَ يَكْفُلُهُمْ

فِي النَّائِبَاتِ وَفِي الْأَسْفَارِ وَالْحَضَرِ

کنایه از اینکه این بچه یتیم‌ها در مشکلات زندگی چه

کنند آنگاه دست مبارک خود را بر صورت من کشید و

فوری از برکات دست معجزه نمای آن حضرت بینا

شدم^(۱)

نمونه‌ای از معجزات امام حسن علیه السلام

۱- منتهی الآمال در معجزات علی (ع) نقل از مناقب ابن شهر آشوب

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به عنوان انجام عُمَره از مدینه خارج شد و مردی مؤمن از فرزندان زبیر نیز همراه حضرتش بود، در بین راه کنار نخل خشکیده‌ای منزل کردند

مرد مذکور نگاهی به درخت خشکیده خرما کرد و گفت: چقدر خوب بود که در این درخت رطب بود و ما می‌خوریم، حضرت فرمود: میل به خرما پیدا کرده‌ای؟ عرض کرد بلی،

حضرت امام حسن مجتبی دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و سخنانی بر لب جاری کرد که کسی آن کلمات را نفهمید، در این حال دیدند درخت خرما سبز شد و برگها برآورد و مملو از رطب شد آنگاه بالای درخت رفته و از رطب به اندازه کافی چیدند و میل فرمودند و از آن مکان تشریف بردند^(۱)

نمونه‌ای از معجزات امام حسین علیه السلام

زمان حضرت امام حسین علیه السلام زنی در مکه مکرمه کنار کعبه طواف می‌کرد و مردی هم در دنبال سرش بود، ناگاه دست آن زن از زیر چادر و حجاب بیرون آمد، زیبایی دست زن، مرد را مجذوب خود کرد تا جائی که بی تاب شد و شیفته گردید و کم‌کم نزدیک رفت و دست بر ذراع (بالا تر از مچ دست) گذاشت، بر اساس این تخلف به کیفر خدائی مبتلا شده و دست بر ذراع چسبید و رهائی ممکن نبود و از ادامه طواف محروم گردیدند مردم دور آنها جمع شدند و به امیر شهر خبر دادند، او فقهاء مکه را جمع کرد که چه باید کرد، گفتند دست مرد را باید قطع کرد زیرا که او مرتکب چنین جنایتی گردیده است

امیر مکه گفت: یکی از فرزندان رسول خدا (حسین بن علی) در این شهر حضور دارد، فقهاء گفتند: فرمان او مطاع است و هر چه آنحضرت بفرماید حکم خدا همان

خواهد بود، حاکم شبانه از حضرت امام حسین علیه السلام دعوت کرد و آن زن و مرد را نیز حاضر ساخت و جریان را به عرض حضرت رساند و خواهش کرد که حضرت فرمان خود را صادر فرماید،

حضرت رو به جانب قبله کرد و دستها را بلند کرد مشغول به دعا شد و از خدا خواست که دستهایشان از هم جدا شود، در این حال دیدند دست مرد از ذراع زن جدا گردید، حاکم عرض کرد او را برای این عمل زشت در آن مکان مقدس کیفر و عقوبت نماید، حضرت شفاعت کرد و امیر مکه پذیرفت و او را آزاد کردند^(۱)

نمونه‌ای از معجزات امام زین العابدین علیه السلام

وقتی که حضرت امام حسین علیه السلام به درجه رفیعۀ شهادت نائل شد محمد حنفیة که یکی از فرزندان حضرت

۱- ناسخ التواریخ حالات امام حسین (ع) جلد ۳ چاپ کتابفروشی اسلامیة

امیرالمؤمنین علی علیه السلام است پیامی به امام زین العابدین علیه السلام فرستاد که چون فرزند حضرت علی هستم امامت بعد از برادرم حق من است

حضرت در جواب فرمود: ای عمو پدرم قبل از رفتن به عراق و همچنین ساعتی قبل از شهادت مرا جانشین خود گردانید و بهتر آن است که در این رابطه با من نزاع نکنی

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید کار به جایی کشید که بنا شد جریان را با حجرالاسود در میان بگذارند، آن سنگ به امامت هر کدام گواهی دهد همان باشد،

وقتی که کنار حجرالاسود رفتند حضرت امام زین العابدین به محمد حنفیه گفت شما با حجر حرف بزن و گواهی بخواه، محمد مطلب خود را با حجر در میان گذاشت جوابی نشنید، آنگاه حضرت زین العابدین آنطور که میخواست دعا کرد و گفت: بحق خداوندی که عهد و میثاق پیامبران و اوصیاء و تمامی مردم را در تو

قرار داد خبر بده که بعد از حضرت امام حسین علیه السلام وصی و امام کیست ناگاه حجر تکانی خورد و به امر خداوند متعال به سخن آمد به زبان عربی فصیح گفت وصیت و امامت بعد از حسین بن علی علیه السلام مخصوص شماست آنگاه محمد حنفیه پای امام را بوسید، در حدیقه الشیعه آمده که این بدان جهت بود که شک و تردید از مردم برداشته شود^(۱) زیرا گروهی معتقد به امامت او بودند (کیسانیه)

نمونه‌ای از معجزات امام محمد باقر علیه السلام

از ابوبصیر روایت شده که خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام شرفیاب بودم، مردی از اهل افریقا وارد شد، حضرت او را مخاطب قرار داد و فرمود حال (راشد) چگونه است؟ عرض کرد وقتی من از وطن خارج

می شدم زنده و سالم و تندرست بود و از من خواست که سلامش را خدمت شما ابلاغ نمایم

حضرت فرمود: خدا رحمتش کند، او از دنیا رفت، مرد آفریقائی عرض کرد: من که می آمدم او صحیح و سالم بود و هیچگونه بیماری و مرض نداشت، حضرت فرمود: مگر هر کس می میرد با علت و مرض و بیماری می میرد؟

راوی گفت: گفتم: راشد کیست؟ فرمود از دوستان ما بود سپس حضرت اضافه کرد اگر گمان کنید که از برای ما نیست چشمی که ناظر بر شما باشد و گوشهائی که شنونده آوازهای شما باشد پس بد چیزی دانسته اید، به خدا قسم هیچ چیزی از شما بر ما پوشیده نیست، ما را حاضر بدانید و خودتان را به خیر عادت دهید و اهل خیر باشید، من به این مطلب فرزندان و شیعه خودم را امر می کنم^(۱)

۱- منتهی الآمال جلد ۲ معجزات امام محمد باقر (ع)

نمونه‌ای از معجزات امام صادق علیه السلام

شخصی بنام «مأمون رقی» گفت: در خدمت حضرت امام صادق علیه السلام بودم، مردی بنام «سهل بن حسن خراسانی» وارد شد و سلام داد و نشست و گفت: یا بن رسول الله مردم شما را دوست دارند چه مانع دارد که قیام کنید و حق خود را بگیرید؟ در حالیکه شیعیان و ارادتمندان شما صدهزار نفرند که به طرفداری از شما در مقابله با دشمن می‌جنگند و شمشیر می‌زنند

حضرت فرمود: ای خراسانی بنشین تا خدا حق را بتو بنمایاند، آنگاه به کنیز خود فرمود تنور را گرم کن وقتی که کاملاً سرخ شد فرمود ای خراسانی برخیز و در این تنور بنشین مرد خراسانی عرض کرد ای فرزند رسول خدا مرا عذاب نکن و از من بگذر فرمود از تو گذشتم در این حال هارون مکی وارد شد در حالیکه با دو انگشت سبابه‌اش نعلین خود را گرفته بود، عرض کرد: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ**، حضرت فرمود نعلین

خودت را از دست بینداز و در تنور بنشین، هارون همان کار را انجام داد و در تنور نشست حضرت به مرد خراسانی رو کرد و از حدیث خراسان با وی سخن می‌گفت، آنچنان از خراسان می‌گفت مثل آنکه آنجا را ببیند، سپس فرمود برخیز و داخل تنور را تماشا کن، گفت برخاستم دیدم هارون چهار زانو نشسته، آنگاه به امر حضرت از تنور بیرون آمد و بر ما سلام کرد. در حالی که آتش به لباس او هم اثر نگذاشته بود حضرت فرمود: در خراسان چند نفر مثل این مرد هستند؟ گفت: به خدا قسم یک نفر نیست، فرمود: ما به وقت خروج (قیام) داناتریم^(۱)

نمونه‌ای از معجزات امام موسی کاظم علیه السلام

زمانی که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در زندان بود به

۱- منتهی الآمال جلد ۲ - معجزات امام صادق (ع)

امر و دستور هارون الرّشید بنا شد دو نفر از مجتهدین آن عصر یکی بنام ابویوسف و دیگری بنام محمد بن الحسن که هر دو از شاگردان ابوحنیفه بودند در زندان خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برسند و در مسائل علمی با وی به گفتگو و بحث پردازند تا در نتیجه آن حضرت را از اعتقادات مذهبی خود برگردانند،

وقتی رفتند و نشستند در این حال مأمور زندان آمد و گفت نوبت من تمام شده و به خانه خودم می‌روم اگر در بیرون کاری دارید اجازه بفرمائید انجام دهم و در نوبت بعدی خدمت شما برسم، امام فرمود: من کاری ندارم، وقتی که او روانه شد و رفت، حضرت آن دو نفر را مخاطب قرار داد و فرمود: شما تعجب نمی‌کنید این مرد امشب خواهد مُرد و فردا نیست که کاری برای من انجام دهد!!، آن دو عالم سنی از جا برخاستند و بیرون رفتند و با هم گفتند ما برای مباحثه آمده بودیم ولی او از غیب خبر می‌دهد، شخصی را فرستادند تا بر درِ خانه آن مرد

بنشینند و به بیند مطلبی که حضرت موسی بن جعفر (ع) خبر داد تحقق پیدا می کند یا نه؟

چون نیمه شب شد ناگاه صدای شیون و فریاد و افغان شنید، در تحقیق برآمد که چه واقع شده، گفتند: مأمور زندان از دنیا رفته است وقتی که از علت مرگ او جو یا شد معلوم گردید که به مرگ ناگهانی مُرده است، آن مأمور جریان را به دو عالم مذکور رسانید، آن دو نفر خدمت امام رسیدند و گفتند ما می خواهیم بدانیم شما این علم را از کجا به دست آوردید؟

فرمود: این علم از علومی است که رسول خدا (ص) به مرتضی علی (ع) آموخته بود و از علومی نیست که دیگری را بر آن راه باشد، هر دو متحیر شدند و می خواستند حرفی دیگر بزنند نتوانستند و با خجالت و شرمساری از جای برخاستند و رفتند و عجیب است که می خواستند این مطلب را محفوظ نگهدارند ولی در جاهای متعدد عنوان کردند و خدا می خواست برای

خودشان حجّت باشد^(۱)

نمونه‌ای از معجزات امام رضا علیه السلام

محمد بن داود روایت کرده که با برادرم خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودیم، شخصی آمد و گفت: عموی شما محمد بن جعفر علیه السلام در حال احتضار بود و چانه او را بستند کنایه از این که او مُرده است، حضرت حرکت کرد که به آنجا برود و ما هم خدمتش بودیم، وقتی وارد شدیم دیدیم فرزندان محمد بن جعفر و عده‌ای از آل ابوطالب گریه می‌کنند، آقا امام رضا علیه السلام کنارش نشست و در روی عموی خود نظر می‌کرد و تبسم می‌نمود، اهل مجلس از چنین عیادتی ناراحت شدند و گفتند انتظار نمی‌رفت در کنار بستر مرگ عمویش این گونه رفتار نماید در این حال حضرت از جا برخاست و

۱- منتهی الآمال جلد ۲ - معجزات حضرت موسی بن جعفر (ع)

بیرون آمد تا در مسجد نماز اقامه نماید،
 عرض کردیم اینها درباره شما سخنان ناگواری می زدند
 زیرا شما بجای اظهار تأثر تبسم کردید، فرمود من
 تعجب می کنم از گریه اسحاق زیرا او زودتر از محمد بن
 جعفر می میرد، محمد برای مرگ اسحاق خواهد
 گریست، طولی نکشید که محمد بن جعفر از جا
 برخاست و حالش خوب شد و اسحاق بیمار شد و
 خیلی زود مُرد!!^(۱)

نمونه‌ای از معجزات امام جواد علیه السلام

زمانی که حضرت امام جواد علیه السلام با همسر خود امّ الفضل
 عازم شد که از بغداد به مدینه برگردد رسید به (دار
 مسیب) که در شارع کوفه قرار دارد و زمان زمان غروب
 آفتاب بود در آنجا مسجدی بود و در صحن آن درخت

۱- منتهی الآمال جلد ۲ معجزات امام رضا (ع)

سدري بود که میوه نمی داد، حضرت مقداری آب خواست و زیر آن درخت وضو گرفت و به نماز ایستاد و گروهی هم به آن حضرت اقتدا کردند، حضرت در رکعت اول بعد از حمد سوره نصر را خواند و در رکعت دوم حمد و سوره توحید قرائت فرمودند و پیش از رکوع قنوت خواند و پس از بجا آوردن رکعت سوم و ذکر تشهد و سلام لحظه‌ای نشست و ذکر خدا را بجا آورد و تعقیبات نماز را خواند و سجده شکر بجا آورد و رفت

آنگاه مردم نزد درخت آمدند دیدند بار داده و میوه فراوانی آورده است همه تعجب کردند و از آن سدر خوردند و از شیرینی آن برای همدیگر بیان می کردند مرحوم شیخ مفید نقل کرده که من از میوه آن درخت خوردم^(۱) شایان ذکر است که میوه سدر مانند عناب و از

۱- منتهی الآمال جلد ۲ معجزات امام جواد(ع)

کوبیده برگ آن برای شستشوی بدن استفاده می شود^(۱)

نمونه‌ای از معجزات امام هادی علیه السلام

مردی خدمت حضرت امام هادی علی النقی علیه السلام رسید در حالی که می لرزید و خائف بود، حضرت فرمود: چه شده؟ عرض کرد: پسرم را بر اساس محبت شما گرفته‌اند و امشب او را از بالای بلندی بر زمین می اندازند و می کشند و زیر همان مکان قبری آماده کردند که دفنش نمایند

حضرت فرمود: حالا شما از ما چه می خواهی؟ عرض کرد آنچه که خواسته یک پدر و مادر است (سلامتی فرزندانم) فرمود: بر فرزندان باکی نباشد او فردا به نزدت خواهد آمد، وقتی که صبح شد فرزندش آمد، پرسید جریانت چه بود و چه شد

گفت: از علت دستگیری من خبر داری، آنها قبری برای من کردند و دستهای مرا بستند من به گریه درآمدم ناگاه عده‌ای افراد خوشبو در برابرم دیدم و از سبب گریه‌ام پرسیدند، من جریان خودم را گفتم در جواب گفتند: اگر طالب مطلوب شود یعنی کسی که می‌خواهد تو را بیفکند خودش افکنده شود و شما تنها از شهر خارج می‌شوی و در کنار حرم رسول خدا ﷺ ملازم خواهی شد، در این حال حاجب را گرفتند و از بلندی کوه بر زمین افکندند و مرا نزد شما آوردند و اینک در بیرون خانه منتظر من می‌باشند

پدرش نزد امام هادی علیه السلام رسید و جریان پسرش را نقل کرد، مردم می‌گفتند فلان جوان را از بالای بلندی افکندند، حضرت هادی تبسم می‌کرد و می‌فرمود: آنچه که ما می‌دانیم اینها نمی‌دانند^(۱)

۱- منتهی الآمال جلد ۲ معجزات امام علی النقی (ع)

نمونه‌ای از معجزات امام حسن عسکری علیه السلام

جعفر بن شریف جرجانی گفت: سالی در سفر حج وارد سامرا شدم و خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب گردیدم در حالی که مقداری اموال شیعیان با من بود که باید به امام برسانم، اما قبل از سخن گفتن فرمود آنچه که با شماست به مبارک خادم برسان امر حضرت را اطاعت نمودم عرض کردم: شیعیان شما در جرجان به شما سلام می‌رسانند

فرمود: مگر بعد از فراغت از حج به جرجان بر نمی‌گردی؟ گفتم همین طور است، فرمود: از امروز تا یکصد و هفتاد روز دیگر برمی‌گردی به جرجان و ورودت صبح روز جمعه سوم ماه ربیع الثانی خواهد بود، به مردم اعلام کن که من آخر همان روز به جرجان خواهم آمد، شما خانواده‌ات را به سلامت خواهی یافت، پسری برای پسرت شریف متولد شده او را (صلت) نامگذاری کن و بزرگ می‌شود و از دوستان ما

خواهد بود

گفتم: ابراهیم بن اسماعیل جرجانی از شیعیان شما است و به اولیاء و دوستان خدا زیاد کمک می‌کند، فرمود: خدا به او جزای خیر بدهد، چیزی نمی‌گذرد که صاحب فرزندی پسر می‌شود به وی بگو حسن بن علی می‌گوید او را احمد نامگذاری نماید

او می‌گوید از خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مرخص شدم و به حج رفتم و به سلامت برگشتم و وارد جرجان شدم صبح روز جمعه سوم ربیع الثانی بود، وقتی که مردم نزد من آمدند گفتم امام وعده فرمود که آخرهای ساعات امروز به اینجا تشریف بیاورد، پس آماده ملاقات حضرت باشید و سئوالات خود را آماده نمائید، وقتی که نماز ظهر و عصر پایان یافت تمامی آنها در خانه من حضور بهم رساندند در این حال حضرت را در میان خود دیدم، اول به ما سلام کرد و ما هم دست وی را بوسیدیم، آنگاه فرمود که من وعده کرده بودم به

جعفر بن شریف که در آخر این روز به نزد شما بیایم،
 من نماز ظهر و عصر را در سامرا بجا آوردم و سپس نزد
 شما آمدم جمع کنید سئوالات و حاجات خود را،
 نصر بن جابر گفت یا بن رسول الله پسرم چند ماه است
 بینائی خودش را از دست داده است، از خدا بخواه که
 چشمش به وی باز گردد، فرمود: او را بیاور، وقتی که
 آورد حضرت دست خود را بر چشمهای او گذاشت
 فوری بینائی به وی بازگشت، آنگاه یک یک آمدند و
 عرض حاجت کردند و حاجت روا شدند و حضرت در
 حق همه آنها دعا کرد و همان روز مراجعت نمود.

معجزات امام زمان «عج»

معجزات امام زمان ما حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ را می توانیم از نظر زمان بر پنج قسمت

تقسیم کنیم

۱- زمان پدر

۲- زمان غیبت صغری

۳- زمان غیبت کبری

۴- زمان ظهور

۵- زمان قیام و انقلاب

معجزه امام زمان «عج» در زمان پدر

سخن گفتن امام زمان در رحم مادر

سخن گفتن در رحم مادر یک امر غیر عادیست که ما آن را معجزه می‌دانیم و این اختصاص به یک نفر ندارد بلکه در تاریخ حضرات معصومین علیهم‌السلام آمده که بعضی از آنها در رحم مادرشان سخن گفته‌اند

۱- حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، زیرا مادرش فاطمه بنت اسد وقتی که کنار کعبه آمد به خداوند متعال التجاء کند تا درد وضع حمل بر وی آسان گردد با خدا اینگونه سخن گفت

(خدایا بحق این خانه و به حق کسیکه این خانه را بنا کرده و بحق این فرزندی که در رحم من است و با من سخن می‌گوید و با سخن گفتن خود مونس من گردیده است و میدانم که او از آیات با عظمت تو است و لادتش

رابر من آسان گردان)^(۱)

این یک شاهد بر سخن گفتن طفل در رحم مادر

۲- حضرت فاطمه سلام الله علیها، زیرا زنان قریش با ازدواج خدیجه و حضرت محمد صلوات الله و سلامه علیه مخالف بودند، او اعتنا به گفتار زنان قریش نکرد و ازدواج انجام گرفت رفت و آمد با خدیجه قطع گردید، و او نگران بود اما وقتی که حضرت به فاطمه سلام الله علیها حامله شد، فاطمه از درون رحم با مادر سخن می گفت و مونس او بود و او را وادار به صبر میکرد، روزی رسول خدا وارد منزل شد دید خدیجه با شخصی سخن میگوید اما کسی را غیر از خدیجه ندید، فرمود: ای خدیجه با چه کسی حرف می زنی عرض کرد با فرزندی که در شکم من است او با من سخن میگوید و من هم با او سخن می گویم^(۲)

۱- منتهی الآمال جلد ۱ در رابطه با ولادت حضرت علی (علیه السلام)

۲- منتهی الآمال جلد ۱ ولادت حضرت فاطمه (س)

۳- حضرت امام رضا علیه آلاف التحية والثناء بود که مرحوم محدث قمی رضوان الله تعالى عليه آورده که مادر حضرت جناب نجمه روایت کرده که چون حامله شدم به فرزند بزرگوار خود به هیچ وجه در خودم احساس سنگینی نمی کردم، زمانی که به خواب می رفتم صدای تسبیح و تهلیل و تمجید از درون شکم خود می شنیدیم خوف و ترس به من دست می داد ولی وقتی که بیدار می شدم صدائی از تسبیح و تهلیل نمی شنیدم^(۱)

۴- حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان ما بود که حکیمه عمه امام حسن عسکری علیه السلام گفت: هنگام وضع حمل کنار نرجس خاتون بودم حالت اضطراب شدیدی در او دیدم، حسب الامر امام حسن عسکری علیه السلام سوره مبارکه *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ* را خواندم، در این حال شنیدم آن طفل در رحم مادر با من هم آهنگ است و سوره قدر را میخواند و به من سلام داد، در تعجب و شگفتی بودم که

۱- منتهی الآمال جلد ۲ در احوال مادر حضرت امام رضا علیه السلام

این چیست، ناگاه برادر زاده‌ام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از درون اطاق دیگر صدا زد ای عمّه این قدرت خدا است که اطفال را گویا می‌گرداند،^(۱)

سخن گفتن امام زمان علیه السلام بعد از ولادت

سخن گفتن بعد از ولادت در پیامبران و امامان ما نیز سابقه دارد که به عنوان نمونه به چند مورد می‌پردازیم

۱- حضرت عیسی مسیح علی نبینا و آله و علیه السلام، در تاریخ انبیاء و پیامبران آمده که وقتی مردم کودک را در آغوش حضرت مریم دیدند، نسبت به حضرت مریم ظنین و بدگمان شدند و زبان به ملامت باز کردند و گفتند: پدر و مادرت افراد ناپاکی نبودند پس شما چرا؟! حضرت مریم تنها راه تبرئه خود را در این دانست که به نوزادش اشاره کند و از او دفاع بخواند که قرآن مجید

۱- منتهی الآمال جلد ۲ ولادت حضرت صاحب الامر علیه السلام

میفرماید:

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ^(۱)

اشاره کرد به فرزندش ،

کنایه از اینکه از این فرزند پرسید، آنها در جواب گفتند:

كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا^(۲)

چگونه حرف بزنیم با کودکی که در گهواره است،

ناگاه دیدند آن کودک بر خلاف انتظار زبان گشود و

گفت:

إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا^(۳)

من بنده خدا هستم و او (خدا) به من کتاب آسمانی

مرحمت کرده و مرا پیامبر قرار داده و کلمات دیگری که

در قرآن مجید سوره مریم آمده است

سخن گفتن حضرت علی (ع) در گهواره

۱- سوره مریم آیه ۲۹

۲- سوره مریم آیه ۲۹

۳- مریم آیه ۳۰

دوم کسی که در گهواره سخن گفت: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود که حضرت فاطمه بنت اسد گفت وقتی که فرزندم علی متولد شد او را در قنداقه‌ای بستم اما علی با یک حرکت آن را پاره کرد، من بند قنداقه را افزودم و حتی شش لایه بستم او را نیز پاره کرد ناچار شدم بند را از چرم بگیرم و به بندم ناگاه به سخن درآمد و گفت: (مادر دستهایم را نبند که می‌خواهم با این انگشتان خود به اشاره با خدا تضرع و سخن بگویم) ^(۱)

سخن گفتن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در گهواره

یعقوب سراج وارد شد بر حضرت امام صادق علیه السلام او را نزدیک پسرش دیدم که در گهواره بود و با او حرف می‌زد وقتی که سخنش تمام شد نزد حضرتش رفتم حضرت فرمود برو نزدیک مولای خود و بر او سلام

۱- منتهی الآمال: فصاحت و بلاغت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

کن، رفتم و سلام کردم آن حضرت به زبان فصیح جواب سلامم را داد، آنگاه فرمود

برو نام دخترت را که دیروز نام گذاری کردی تغییر بده زیرا آن اسمی است که خدا آن را دوست ندارد، یعقوب می گوید حق تعالی به من دختری داده بود و او را (حُمَیرا) نام گذاشته بودم، امام صادق فرمود اطاعت کن، یعقوب سراج گفت: اطاعت کردم و اسم دخترم را تغییر دادم.^(۱)

از جمله کسانی که بعد از ولادت سخن گفت آقای ما امام زمان علیه السلام بود کنیزان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام (نسیم و ماریه) گفتند: بعد از ولادت حضرت صاحب الامر خدمتش رسیدیم دیدیم به دو زانو نشسته و انگشتان شهادت را سوی آسمان بلند کرده و بعد از عطسه کردن گفت

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

آنگاه فرمود: ستمکاران گمان کردند که حجّت خدا بر طرف خواهد شد اگر خدا به من اجازه بدهد هیچ شکّی باقی نمی ماند

و همان خدمتکار (نسیم) گفت: بعد از ولادت حضرت امام خدمتش رفتم ناگهان عطسه کردم فرمود: يَرْحَمَكَ اللهُ من از این گفتار حضرتش خوشحال شدم، بعد فرمود آیا بشارت دهم تو را در عطسه؟ گفتم: بلی، فرمود: عطسه امان از مرگ است تا سه روز.^(۱) آیا شما این را معجزه نمی دانید که طفلی در روزهای اوّل ولادت اینگونه سخن بگوید.

سخن گفتن امام زمان «عج» بعد از ولادت

یکی دیگر از معجزات امام زمان «عج» سخن گفتن آن

حضرت است در زمان ولادت،

حکیمه میگوید در زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام نرجس از دیده من غائب شد گویا پرده‌ای میان من و او حائل شد، دوان دوان به سوی حجره امام حسن عسکری علیه السلام می‌رفتم حضرت فریاد زد ای عمّه برگرد اینک فرزندم را خواهی دید وقتی برگشتم پرده گشوده شد و در نرجس نوری دیدم که خیره‌کننده بود، در این حال حضرت صاحب را دیدم که رو به قبله در حالت سجده قرار گرفته و انگشتان سبّابه را به سوی آسمان بلند کرده و میگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ
جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ،

آنگاه یکایک امامان را به ترتیب نام برد تا به خودش رسید و فرمود:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ

و طَأْتِي وَ أَمَلًا الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَ قِسْطًا^(۱)

خداوندا و عده نصرت که به من داده‌ای وفا کن و امر خلافت و امامت مرا به پایان برسان و انتقام گرفتن و استیلاء مرا از دشمنان ثابت گردان و زمین را به وسیله من از عدل و داد پر کن

خبر از اراده خداوند سبحان

در اوراق پیشین بیان کردیم که بعضی از پیامبران و امامان در دوران صباوت و طفولیت به زبان فصیح سخن گفتند و درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نوشته‌ایم که بعد از ولادت سخن گفت، ولی مطلبی که در اینجا میخوانید مربوط است به خواندن قرآن، مخصوصاً آیه‌ای که بیانگر اراده خداوند متعال است درباره مستضعفین و جریان این است که میخوانید

۱- منتهی الآمال جلد ۲ ولادت امام زمان ﴿عجله﴾

حکیمه خاتون می گوید: وقتی حضرت مهدی (عج) ولادت یافت او را خدمت حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) بردم، همینکه پدر را دید سلام گفت، حضرت فرزند خود را بغل کرد و دست بر سر او کشید و فرمود ای فرزندم سخن بگو، به قدرت الهی به سخن درآمد و بعد از بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این آیه را خواند.

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي
الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ

الوارثين.....

اراده ما (خدا) بر این قرار گرفته است که کسانی که در انتظار مردم مستضعفند نعمت داده و پیشوایان روی زمین قرار دهیم^(۱)

(این هم یکی از معجزات حضرت ولی عصر (عج) است که مطالعه فرمودید)

خواندن کتب و صحف آسمانی روز هفتم ولادت

حکیمه خاتون روز سوّم ولادت به خانه حضرت امام حسن عسکری رفت و گفت مولای من کجا است فرمود: روز هفتم بیا، چون روز هفتم رفتم گهواره‌ای دیدم که مولای من در آن گهواره بود وقتی مرادید لبخند زد، در این حال امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: فرزندم را بیاور،

وقتی خدمت آنحضرت بردم زبان گشوده و فرمود سخن بگو ای فرزندم حضرت صاحب الامر شهادتین بر زبان جاری کرد و صلوات بر رسول خدا و ائمه اطهار فرستاد آنگاه با گفتن: بسم الله آیه وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ رَا خواند، سپس حضرت فرمود بخوان آنچه را که خدا بر پیامبران فرستاده، امام زمان ما شروع کرد به خواندن صحف آدم به زبان سریانی و کتاب ادریس و نوح و کتاب هود و کتاب صالح و صحف ابراهیم و توراة موسی و زبور داود و انجیل عیسی و قرآن جدّ خود محمد مصطفی صلی الله علیه و آله

را^(۱)

آیا این معجزه نیست که یک کودک هفت روزه کتابهای آسمانی را به امر پدر بزرگوارش بخواند!!

امام زمان علیه السلام در کودکی خود را (بقیة الله) معرفی فرمود

علاّمه مجلسی در بحار الانوار و کتاب جلاء العیون و همچنین در کتاب حقّ الیقین آورده که: احمد بن اسحاق گفت به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و میخوام از آنحضرت بپرسم که امام بعدی کیست، پیش از آنکه لب به سخن باز کنم فرمود: خداوند متعال تاکنون زمین را خالی از حجّت نگذاشته و تا روز قیامت هم خالی نخواهد گذاشت

عرض کردم ممکن است او را معرفی فرمائید، حضرت برخاست و داخل منزل رفت و برگشت درحالیکه یک

کودک بر دوشش بود که حدود سه ماهه نشان می داد و فرمود: این است امام بعد از من که زمین را پر از عدالت خواهد کرد بعد از آنکه پر شود از ستم و ظلم و جور گفتم: آیا در این رابطه معجزه و علامتی ظاهر میشود که بر اطمینانم افزوده شود، در این حال آن کودک به سخن درآمد و گفت: **أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ**،^(۱)

اینهم یکی از معجزاتی که به درخواست احمد بن اسحاق انجام شد

نجات این شخص را بخوانید

شخصی بنام ابراهیم بن محمد نیشابوری باخبر شد که والی و نماینده خلیفه قصد کشتن وی را دارد زیرا او دشمنی عجیب با شیعه داشت، لذا با ترس و لرز و وحشت با خانواده اش خداحافظی نمود و اراده کرد

۱- منتهی الآمال جلد ۲ در اثبات وجود حضرت صاحب الزمان (علیه السلام)

خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام برسد که با آن
آقا هم وداع نماید و سرانجام فرار کرده تا بلکه از کشته
شدن نجات یابد

او میگوید وقتی که داخل شدم بر امام پسر بیچّه‌ای را
دیدم که در کنار حضرت نشسته اما صورتش مثل ماه
می‌درخشد از نور صورتش در تعجب بودم و اصلاً
جریان خودم را نزدیک بود که از یاد ببرم فرمود: ای
ابراهیم نترس خداوند تبارک و تعالی تو را از شرّ والی
حفظ خواهد کرد

به حضرت امام حسن عسکری عرض کردم ای آقای من
این کیست که از ضمیرم خبر می‌دهد!! فرمود: پسر من و
جانشین بعد از من است که غیبت طولانی خواهد داشت
و سپس ظهور می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد خواهد
کرد، این مطلب را کتمان کن و برای کسی نقل نکن!^(۱)

سعد بن عبدالله در پیشگاه امام زمان (علیه السلام)

جریانی که به نظر مبارک شما میرسد در کتابهایی از قبیل کمال الدین و بحار الانوار و منتخب الاثر و بعضی از مدارک معتبر دیگر مفصل نقل شده ولی ما، در اینجا به اندازه لازم را می آوریم

سعد بن عبدالله اشعری در قم زندگی می کرد و یک علاقه خاصی به مسائل مذهبی مخصوصاً مطالب اعتقادی و اصول دین داشت و در این رابطه کتابهایی جمع آوری نموده و پیوسته مطالعه می کرد،

گاهی بین او و بعضی از افراد مباحثه پیش می آمد و خیلی خوشحال بود از اینکه حاضر جواب است، اتفاقاً در نشستی که با یکی از ناصبی ها داشت به یکی از مسائل او نتوانست جوابگو باشد، با خود گفت: بهتر آن است خدمت احمد بن اسحاق نماینده حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) رفته و از محضر آن عالم بزرگوار شیعه استفاده کنم

وقتی که به خانهٔ احمد بن اسحاق رفت معلوم شد که او به عزم سامرا قم را ترک کرده است، از آنجائی که چهل و چند مسئله دیگر یادداشت کرده بود که از محضر احمد استفاده کند لذا خود نیز عازم سفر سامرا شد، در یکی از منازل به احمد بن اسحاق رسید وقتی با وی مصافحه کرد گفت: انشاء الله خیر است سعد گفت: اولاً مشتاق دیدار شما بودم و ثانیاً طبق معمول از شما سؤالاتی دارم احمد گفت: من به عنوان ملاقات با حضرت حسن عسکری علیه السلام به سامرا میروم شما هم از این فرصت استفاده کن و با من بیا زیرا خدمت حضرت عسکری علیه السلام رسیدن یعنی مقابل دریائی از علوم قرار گرفتن

سعد میگوید با احمد بن اسحاق رفتیم وقتی به سامرا رسیدیم و به خانهٔ امام راه یافتیم، همراه خادمی به درون منزل رفتیم، احمد حامل اماناتی بود که در پارچه‌ای پیچیده بود، وقتی خدمت حضرت رسیدیم صورت حضرت را در حدّ اعلای نورانیت دیدم، فرزندى روی

زانوی آقا نشسته بود که علائم و مشخصات بزرگی و بزرگواری داشت در مقابل امام اناری بود که آن را روی زمین به سوی انتهای اطاق می انداخت تا آن فرزند با انار بازی کند و خود هم مشغول به نوشتن می شد، وقتی که نوشتن تمام شد با ملاحظت خاصی به ما توجه کرد و اشاره کرد: بنشینید، پس از نشستن احمد بن اسحاق امانت‌ها را از پارچه درآورد و نزد حضرت گذاشت، امانات یکصد و شصت کیسه کوچک از طلا و نقره بود که به عنوان وجوه شرعی خدمت امام فرستاده بودند و تمام کیسه‌ها مهر شده بود،

امام به آن فرزند فرمود بیا اموال شیعیان را تحویل بگیر، همان آقازاده به یکایک کیسه‌ها توجه کرد و فرمود این اموال برای ما قابل قبول نیست سپس علت را بیان کرد، و از صاحبان آن امانات نیز نام می برد

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ایراد و انتقاد فرزند خود را پذیرفت فرمود: این اموال را به صاحبانش

برگردان ولی فقط پارچه فلان پیرزن را بیاور، احمد گفت آن را در خورجین گذاشته‌ام و هنگام شرفیابی فراموش کرده‌ام، اکنون می‌روم و می‌آورم

وقتی او رفت که پارچه را بیاورد، امام حسن عسکری علیه السلام به من نگاهی کرد و گفت: ای سعد برای چه آمده‌ای؟ عرض کردم: اشتیاق دیدار شما را داشته‌ام، فرمود: مسائلی را که می‌خواستی بپرسی چه کردی؟ عرض کردم همچنان بدون جواب مانده است، فرمود: آنچه به نظرت می‌رسد از نور چشمم سؤال کن، با دست اشاره به همان طفل کرد من سؤال می‌کردم و آن آقا زاده جواب می‌داد، (ما در اینجا به دو سؤال و جواب اکتفا می‌کنیم)

۱- گفت: از اجداد شما روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله اختیار زنان خود را به دست امیرالمؤمنین قرار داده بود و حتی در جنگ جمل برای عایشه پیام داد که مسلمین را گرفتار فتنه خود نمودی و فرزندان خود را از روی

نادانی به سرایشی افکنده‌ای، اگر خود برمیگردی چه خوب و گرنه تو را طلاق میدهم، با اینکه مرگ پیغمبر موجب طلاق زنهای آنحضرت بود!!

آن کودک (امام زمان) پرسید طلاق یعنی چه؟ عرض کردم: یعنی رهائی که اگر بخواهند شوهر کنند، فرمود: اگر رحلت پیغمبر زنهای او رایله و رها کرده بود پس چرا جایز نبود که آنها بعد از پیغمبر شوهر کنند؟ عرض کردم، زیرا خداوند متعال ازدواج آنها را بعد پیغمبر حرام کرده بود، فرمود: پس چگونه رحلت پیغمبر آنها را رها گردانیده

عرض کردم: ای آقا زاده عزیز، معنای طلاق که پیغمبر ﷺ حکم آن را واگذار به امیرالمؤمنین نمود چیست؟ فرمود: خداوند متعال مقام زنان پیغمبر را بزرگ داشت و آنها را به شرف مادری مؤمنین فائز گردانید، پیغمبر ﷺ هم به امیرالمؤمنین ﷺ فرمود یا علی این شرافت تا وقتی که اطاعت می‌کنند برایشان

خواهد بود ولی هرکدام بعد از من نافرمانی خداوند کردند و علیه تو شورش نمودند آنها را آزاد بگذار تا اگر بخواهند با دیگری ازدواج کنند و از مقام ام المؤمنینی ساقط گردند

۲- عرض کردم: چه مانعی دارد که مردم خودشان امامی برای خود انتخاب کنند؟

فرمود: امام مصلح یا مفسد؟ عرض کردم البته امام مصلح، فرمود: آیا امکان دارد که مردم به نظر خود امام مصلحی انتخاب کنند ولی در واقع مفسد باشد؟ گفتم: آری، فرمود: برای همین است که مردم نمی‌توانند امام انتخاب کنند،

(نتیجه این سؤال و جواب آن است که بعثت پیامبران بر عهده خداوند متعال بود، نصب امام نیز از جانب خدا است زیرا در کار خدا اشتباهی وجود ندارد)

خلاصه آنکه حضرت برخاست اقامه نماز کند من بیرون رفتم تا احمد بن اسحاق را به بینم، در میان راه او را

گریان دیدم وقتی که از علّت جو یا شدم گفتم: پارچه‌ای به امانت نزد من بود که به امام عسکری علیه السلام برسانم و حضرت یادآور شد که چرانیاوردی رفتم که بیاورم متوجه شدم که گم کرده‌ام، گفتم برو خدمت حضرت تا جریان را به عرض حضرت برسانی، او رفت و خوشحال برگشت، پرسیدم چه شده؟ گفتم: دیدم پارچه‌ای که از من خواسته بود زیر پای حضرت پهن است و امام روی آن نماز میخواند.

شایان ذکر است که جریان به تفصیل در کتاب‌ها آمده و ما با مراعات اختصار موارد لازمش را آوردیم و منظور از ذکر این جریان معجزه آقا امام زمان علیه السلام بود که در سنّ صباوت از غیب خبر داد^(۱)

معجزات امام زمان (عج) در زمان غیبت صغری

غیبت صغری چیست؟

امام زمان ما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت دارد، (صغری و کبری) غیبت صغری کوتاه مدت است و غیبت کبری به معنی بزرگ و دراز مدت، غیبت صغری آن حضرت ۷۴ سال به طول انجامید که در طول این مدت افرادی واسطه فیض بودند به نامهای

عثمان بن سعید

محمد بن عثمان

حسین بن روح

علی بن محمد سمري

که این افراد را نواب اربعة می نامند، و در بغداد مدفونند در غیبت صغری معجزاتی از حضرت در کتابها آمده که به بعضی از آنها می پردازیم

امامت از زمان صباوت

یکی از مسائلی که در معجزات آقا امام زمان علیه السلام مطرح است امامت آنحضرت می باشد که از سن پنج سالگی شروع شد مثل امامت حضرت امام محمد تقی علیه السلام که از سن ۹ سالگی بوده است گرچه برای بعضی ها بعید به نظر می رسد زیرا چگونه ممکن است مغز و فکر و عقلی که هنوز به حدّ رشد و کمال نرسیده هادی و راهنمای عاقلان و عالمان گردد

باور کردن چنین مطلبی باور کردن قرآن است و انکار مطلب نیز انکار قرآن می باشد

جریان حضرت عیسی علیه السلام

به عبارت دیگر عرض کنم: جریان حضرت عیسی مسیح را در قرآن خوانده ایم که وقتی مردم آن جناب را در آغوش مادرش دیدند لب به دندان گزیدند که این کودک را از کجا آورده است لذا از باب اعتراض گفتند:

ای خواهر هارون پدر تو آدم بدی نبود مادرت سابقه ناپاکی نداشت و و

حضرت مریم برای تبرئه خودش به نوزادش (عیسی مسیح) اشاره کرد، یعنی از این کودک بپرسید، گفتند: چگونه بپرسیم و حال آنکه او هنوز در گهواره است در چنین وقتی متوجه شدند که نوزاد لب به سخن گشود و گفت:

إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا^(۱)

من بنده خدایم و به من کتاب داده شد و مرا پیغمبر قرار داده‌اند. البته سخن عیسی ﷺ بیش از جملات مذکور در قرآن آمده است ولی ما فقط به اندازه لازم را بیان کردیم که در آغوش مادر سخن میگوید و از نبوت خود خبر میدهد، گرچه در سن هفت سالگی به پیامبری رسید^(۲)

۱- سوره مریم آیه ۳۰

۲- اصول کافی جلد ۱ حالات الأئمه (ع) فی السن

جریان حضرت یحیی ﴿عَلَّیْهِ﴾

حضرت یحیی ﴿عَلَّیْهِ﴾ هم در سن صباوت به پیامبری رسید، در این رابطه به آیه ذیل توجه فرمائید

يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ
صَبِيًّا^(۱)

ای یحیی کتاب را با قدرت بگیر، ما به او در دوران صباوت حکم (نبوت) عنایت کرده‌ایم از این دو شاهد مذکور در قرآن مجید ما می‌فهمیم که نبوت یک منصبی است که خداوند متعال به افراد عنایت می‌فرماید و جوانی و پیری و صباوت مطرح نیست از همین راه و کانال می‌توانیم به این مطلب برسیم که منصب امامت نیز یک منصب الهی و آسمانی است و در امامت هم سن و سال مطرح نیست، و علاوه بر اینها معجزه را اگر از نظر دور نداریم مطلب کاملاً حل است، و هیچ استبعادی ندارد از اینکه امام جواد ﴿عَلَّیْهِ﴾ در ۹

سالگی و امام هادی علیه السلام در سن ۸ سال و پنج ماهگی و امام زمان ما حضرت مهدی علیه السلام در سن پنج سالگی به امامت رسیده باشند

وقتی که میخواستند امام زمان را دستگیر کنند

دشمنان امام زمان علیه السلام احتمال می دادند که شاید در خانه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام کسی باشد که یک روزی دعوی امامت نماید لذا سپاه زیادی را فرستادند تا اگر شخصی باشد او را دستگیر نمایند، سپاه اعزامی از جانب خلیفه آن وقت وقتی به خانه امام وارد شدند ناگهان صدای قرائت قرآن شنیدند که از درون سرداب به گوش می رسد

با شنیدن آوای طنین انداز، تمام سربازان و سپاهیان پیاده شدند و در مقابل سرداب تجمع نمودند و از تمام جهات توجه داشتند که خواننده قرآن راهی برای فرار خود پیدا نکند

امیر و فرمانده آن لشکر فرمان داد که همه وارد منزل شوند و سپس به درون سرداب حمله کنند و امام مهدی علیه السلام را دستگیر نمایند، در این حال حضرت از کنار سرداب بیرون آمد و از مقابل سربازان و سپاهیان گذشت در حالیکه دیده تمام آنها باز بود

حمله به سرداب آغاز شد سربازان به امیر گفتند آن کسی را که میخواستیم دستگیر کنیم مگر این نبود که اکنون از کنار شما گذشت، فرمانده که غضبناک بود گفت من که او را ندیدم شما دیدید پس چرا دستگیرش نکردید، گفتند ما فکر نمی کردیم که شما او را نمی بینید!!^(۱)

راهنمایی به خیر و صلاح

یکی از معجزات آقا امام زمان علیه السلام این است که میخوانید علی بن بابویه قمی پدر شیخ صدوق که در عصر غیبت

صغری زندگی می‌کرده نامه‌ای خدمت حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشت که از حضرتش اجازه تشرّف به حجّ بگیرد

آن نامه را به سومین نائب حضرت (حسین بن روح) داد که خدمت حضرت برساند

حضرت در جواب نامه مرقوم فرمودند که در این سال رفتن شما مصلحت نیست، علیّ بن بابویه نامه دیگر نوشت که حجّ من نذر واجب است، آیا در این صورت خودداری نمایم؟ جواب آمد که اگر چاره‌ای نداری و ناگزیری پس با آخرین کاروان حرکت کن

بعد معلوم شد در آن سال قرامطه در مکه فتنه‌ای برپا کردند که به حجّاج نیز آسیب رسیده بود ولی او و همراهانش سالم و از هر صدمه‌ای محفوظ ماندند و کاروانهایی که پیش از آن رفته بودند تلف شدند^(۱)

شایان ذکر است که بعضی از مورّخین نوشته‌اند که علی

بن بابویه در همان سفر قبل از پایان طواف با شمشیر کشته شد از جمله مرحوم شیخ بهائی هم به همین مطلب اشاره کرده است که مرحوم محدث قمی عطر الله مرقدہ در سفینة البحار جلد اول صفحه ۱۱۰ به جوابگوئی پرداخته و میفرماید: او در سال ۳۲۹ موافق با سال وفات علی بن محمد سمری آخرین نائب حضرت ولی عصر «عج» از دنیا رفت و در قم نزدیک حرم حضرت فاطمة معصومة سلام الله علیها دفن گردید و پیوسته مرکز فیوضات ربانی است که قبّه و گنبد و بارگاه دارد و او را زیارت می کنند و از او تبرک می جویند و اما شیخ بهائی (ره) نوشته سال ۳۱۰ هجری بر اساس هجوم قرامطه در حال طواف کشته شد ولی او این علی بن بابویه نیست بلکه او علی بن بابویه صوفی عامی است، سپس مرحوم محدث قمی (ره) جریانی از آن صوفی نقل می کند که نوشتنش لزوم ندارد و مرحوم عباس راسخی که اهل فضل و علم و ادب و

صاحب تألیفات عدیده بود در کتاب (نواب اربعه) صفحه ۱۰۵ به معرفی قرامطه پرداخته و به نقل از مجمع البحرین طریحی نوشته که قرامطه فرقه‌ای از خوارج بودند^(۱)

چهار نامه برای امام زمان علیه السلام

شخصی بنام قاسم بن علا گفت: در رابطه با حوائج و نیازمندی‌هایی که داشتم برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام سه نامه نوشتم و در آن نامه‌ها یادآور شدم که مردی بزرگسالم ولی تاکنون از نعمت فرزند بهره‌مند نشدم حضرت جواب نامه‌ها را مرحمت فرمود ولی درباره فرزند که نوشته بودم جواب ندادند، لذا نامه چهارم نوشتم و خدمت حضرت ارسال داشتم و از جنابش خواستم که دعا کند تا خداوند متعال به من فرزندی عطا

فرماید

حضرت جواب نامه‌ام را فرستاد و حوائج‌م را مرقوم فرمودند سپس اضافه کرد: خدایا فرزندی پسر به وی مرحمت فرما که چشمش به وجود آن پسر نورانی گردد وقتی که نامه به دستم رسید نمی‌دانستم که آیا مسافری در راه دارم یا نه، نزد کنیزم رفتم و از پرسیدم او از جریان حمل خبرم داد و پسری زائید
این بود یکی دیگر از معجزات امام زمان علیه السلام که ملاحظه فرمودید^(۱)

شخصی که میخواست امام او را شناسد

یکی از معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که مردی از اهل بلخ پنج دینار خدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام فرستاد و نامه‌ای هم نوشت اما برای

۱- منتخب الاثر باب ۲ حدیث ۶ نقل از دلائل الامامة

آنکه حضرت او را شناسد و یا برای منظور دیگر، نام خود را تغییر داد و همراه همان دینارها ارسال داشت طولی نکشید که رسید پول از جانب حضرت آمد و نامه‌ای نیز همراه بود که در آن نامه حضرت درباره‌اش دعا کرد و نام و نسبش را نیز مرقوم فرموده بود

کنایه از اینکه تو خواستی خود را معرفی کنی ولی ما شما را شناختیم!!^(۱)

خبر از موالید

در کتاب دلایل الامامة با ذکر سند آمده که شخصی بنام ابو جعفر گفت: خداوند متعال نوزادی به من مرحمت فرمود، نامه‌ای برای حضرت صاحب الزمان نوشتم و در آن نامه اجازه خواستم که روز هفتم نوزاد را شستشو دهم حضرت اجازه نداد، ولی آن مولود روز هفتم از دنیا

رفت

آنگاه به حضرتش نامه نوشتم و از مرگ آن نوزاد خبرش دادم حضرت در جواب مرقوم فرمودند که باز هم فرزند دیگر و باز فرزند دیگر خدا بشما عنایت میفرماید آن را احمد و آن دیگری را جعفر نام بگذار

فرزند دیگری متولد شد، در نامه‌ای اجازه خواستم که او را روز هفتم شستشو دهم جواب منفی بود و همان بچه هم روز هفتم و یا هشتم از دنیا رفت، مرگ فرزندم را در نامه‌ای برای امام نوشتم، در جواب مرقوم فرمودند که خداوند متعال بجای او فرزند دیگری خواهد داد، او را احمد و فرزند بعدش را جعفر نامگذاری کن همچنان شد که فرموده بود^(۱)

این هم یکی دیگر از معجزات حضرت صاحب الامر بود که ملاحظه فرمودید

شخصی که در سفر حج از قافله عقب مانده بود

یکی دیگر از معجزات امام زمان (عجل الله له الفرج) این است که ملاحظه میفرمائید: در کتاب اربعین خاتون آبادی آمده که مرد صالح و شایسته‌ای گفته: من سالی به عنوان حج بیت الله الحرام از وطنم خارج شدم و آن سال سال بسیار گرمی بود، اتفاقاً از قافله عقب ماندم و راه را گم کردم، علاوه بر اینها تشنگی هم بر من غلبه کرد تا حدی که از مرکب سقوط کردم و بر زمین افتادم و در حالت مرگ قرار گرفتم

در این حال صدای شیئه اسبی را شنیدم، وقتی که چشم باز کردم جوانی نیکو منظر و خوشبو را سوار بر اسبی دیدم و به من آبی داد سردتر از یخ و شیرین‌تر از عسل وقتی که آشامیدم از هلاکت نجات یافتم، گفتم شما کیستید ای سید من فرمود:

أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
أَنَا الَّذِي أَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا

مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، اَنَا ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
 بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
 أَبِيطَالِبٍ ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ ثُمَّ قَالَ اخْفِضْ عَيْنَيْكَ ثُمَّ قَالَ
 إِفْتَحْهُمَا فَرَأَيْتَ نَفْسِي فِي قُدَّامِ الْقَافِلَةِ ثُمَّ
 غَابَ مِنْ نَظَرِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ^(۱)

منم حجّت خدا بر بندگانش و یادگار خدا در زمینش منم
 کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کنم بهمان
 نحوه‌ایکه پر شد از ستم، من فرزند حسن فرزند علی
 فرزند محمد فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر
 فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی ابن
 ابیطالبم،

آنگاه فرمود دو چشمت را به بند وقتی که بستم فرمود
 باز کن وقتی باز کردم جلو کاروان بودم و حضرت از
 دیدم غائب شد صلوات الله علیه

معجزه‌ای از امام زمان (علیه السلام) در کنار کعبه

شخصی به نام علی بن ابراهیم فدکی به نقل از (اودی) گفت در کنار خانه کعبه جوانی نیکوروی و خوش منظر دیدم که با وقار خاصی ایستاده و مردم دور او را گرفته بودند، سخن می‌گفت ولی جالب و جاذب و شیرین خواستم نزدیک شوم از دحام جمعیت نگذاشت، پرسیدم این کیست؟ جواب دادند این فرزند پیغمبر است هر سال یکبار برای خواص شیعیانش حاضر میشود، رو به آن حضرت کردم و گفتم ای آقای من مرا رهنمائی کن که خدا رهنمای شما باشد، آنحضرت مشتی سنگریزه در کف دستم قرار داد، یکی از حاضرین گفت: آقا به شما چه داده؟ گفتم سنگریزه، اما وقتی که دستم را باز کردم طلای ناب دیدم، حضرت فرمود: آیا علامت حق و آثار حقیقت برای تو روشن شد؟ نابینائی قلبت مرتفع گردید؟ سپس فرمود: آیا مرا شناختی؟ گفتم: نه، فرمود

أَنَا الْمَهْدِي، أَنَا قَائِمُ الزَّمَانِ، أَنَا الَّذِي أَمْلَأُ

الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا^(۱)

من مهدی و قائم زمانم، منم که زمین را از عدل پر میکنم
به همان طوری که پر شد از جور و ستم.

نتیجه سوء قصد به امام زمان علیه السلام

مردی بنام رشیق روایت کرده که (معتضد) خلیفه عباسی
مأمورم کرد که با دو نفر به سامره رفته و خانه امام حسن
عسکری علیه السلام را فحص و بررسی نموده تا به بینم کسی از
آنحضرت باقی مانده است یا نه، با مرکب‌های متعدد از
بغداد به سامره رفتیم، آنجا غلام سیاهی دیدیم که به
بعضی از کارهای دستی مشغول بود، از وی پرسیدیم آیا
در این خانه کسی هست یا نه؟ گفت: صاحبش و دیگر
هیچ تو جُهی به مانداشت و همچنان به کار خود مشغول

۱- آخرین سفیر انقلاب جلد ۲ صفحه ۴۰ نقل از بحار ج ۵۲ ص ۱۰۲

گردید

وقتی وارد خانه شدیم خانه بسیار پاکیزه و تمیزی دیدیم و در مقابل ما پرده‌ی زیبایی مشاهده کردیم آن را کنار زدیم حجره‌ی بزرگی بنظر رسید که گویا دریای آبی تمام اطاق را فرا گرفته است، در انتهای حجره حصیری دیدیم که بر روی آب گسترده و بر فراز حصیر مردی زیبا مشغول به نماز است و هیچ توجهی به ما ندارد، یکی از همراهان بنام احمد بن عبدالله قدم در حجره گذاشت ولی در آب غرق شد دستش را گرفته نجاتش دادم و بیهوش گردید رفیق دیگرم اراده کرد که داخل شود او هم گرفتار شد و میخواست غرق شود نجاتش دادم، من زبان به اعتذار گشودم گفتم: و الله من ندانستم که شما مقرب درگاه خدائی از کار خودم توبه میکنم او همچنان مشغول نماز بود و به ما توجه نکرد از ترس و اضطراب شبانه نزد معتضد رفتیم و جریان را گفتیم گفت قبلاً به کسی نگفتید؟ گفتیم نه، گفت اگر برای دیگران نقل کنید شما را

گردن می‌زنم، ما این جریان را همچنان مکتوم داشتیم تا معتضد از دنیا رفت^(۱)

این جریان جز از طریق معجزه امکان ندارد!!

دعاهای امام زمان علیه السلام درباره علی بن بابویه

مرحوم محدث قمی (حاج شیخ عباس) رضوان الله تعالی علیه در کتاب شریف منتهی الآمال از شیخ طوسی روایت کرده که (علی بن بابویه) نامه‌ای خدمت حضرت امام زمان علیه السلام نوشت که من فاقد فرزندم دعا بفرمائید که خداوند متعال به من عنایت فرماید

آن نامه را به یکی از نوّاب اربعة (حسین بن روح) داد که خدمت حضرت صاحب الامر برساند، حضرت در جواب مرقوم فرمود که درباره‌ات دعا کردیم و از خداوند متعال خواسته‌ایم که دو فرزند صالح به شما

۱- منتهی الآمال جلد ۲ در معجزات امام زمان علیه السلام

عنایت فرماید،

طولی نکشید که خداوند از کنیزی به وی دو فرزند داد، یکی بنام محمد و دیگری بنام حسین، از محمد بن علی بن بابویه تصانیف و آثار عدیده‌ای به یادگار مانده که یکی از آنها (مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه) است و از حسین بن علی بن بابویه نیز نسل بسیاری به وجود آمدند که بعضی از آنها محدث بودند و محمد بن علی بن بابویه یکی از افتخاراتش این بود که به دعای حضرت قائم علیه السلام به دنیا آمده است

و استادان او می‌گفتند: شایسته است کسی که به دعای حضرت امام زمان علیه السلام متولد شود اینچنین باشد^(۱)

این هم یکی از معجزات حضرت است که در زمان غیبت صغری به وقع پیوسته

پیشگیری از خطرهای حتمی

یکی دیگر از معجزات امام زمان (عجل الله فرجه) پیشگیری از خطر حتمی بعضی از شیعیانش بود که میخوانید در زمان (المعتضد بالله) که یکی از خلفای عباسی بود، در یک مجلسی جریان دریافت و جمع‌آوری اموال مطرح شد که بعضی‌ها بنام وکلای امام زمان از مردم می‌گیرند، از چند وکیل هم نام برده شد وقتی که وزیر خلیفه (عبیدالله بن سلیمان) این مطلب را شنید گفت در جستجو باشید وکلایش را بشناسید و بگیرید زیرا این کار برای ما ایجاد مشکل خواهد کرد خلیفه گفت: راه دستگیری آنان این است: پول فراوانی را به بعضی از افراد بدهید که نزد آنها ببرند، هر کدام مال را به عنوان وکالت گرفتند او را جلب می‌کنیم در همان وقت نامه‌ای از ناحیه مقدسه امام زمان (عجل الله فرجه) صادر شد که هیچ کدام از وکلاء چیزی از کسی قبول نکنند و از پذیرفتن هر مالی خودداری نمایند و خود را

بی اطلاع نشان دهند

بدنبال این دستور، وزیر مالی به وسیله مردی ناشناس نزد (محمد بن احمد) که از وکلای حضرت بود فرستاد و در خلوت به او گفت: من مالی با خود آورده‌ام که شما آن را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) برسانی محمد تجاهل کرد، او هرچه بر لطف خود افزود محمد بر تجاهلش می‌افزود، از اینگونه افراد نزد وکلای دیگر فرستادند و کلاً از پذیرفتن اموال خودداری کردند،^(۱)

خبر از ذهنیت‌های مردم

یکی دیگر از معجزات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء این است که از ذهنیت‌های مردم خبر می‌داد، به عنوان نمونه یکی از آنها را بخوانید
شخصی بنام محمد بن هارون همدانی گفت: من پانصد

۱- ترجمه جلد سیزدهم بحار صفحه ۶۲۰ با تغییر عبارت نقل از کتاب کافی

دینار سهم امام علیه السلام بر ذمه داشتم و از این جهت ناراحت بودم ولی در مقابل پنج باب دکان داشتم که پانصدوسی دینار خریده بودم، با خودم گفتم: مغازه‌ها را به ناحیه مقدسه امام به جای سهم امام علیه السلام تقدیم کنم خدا شاهد است: من این ذهنیت را به زبان نیاوردم و به کسی هم نگفتم، اما حضرت به محمد بن جعفر فرمود: دکان‌ها را از محمد بن هارون که میخواهد به عنوان سهم امام بدهد قبول کن و تحویل بگیر!!^(۱) جان ما به فدای امام زمانی که از ذهنیت‌های ما خبر دارد و این به جای خود از معجزات امام علیه السلام است.

اطلاع غیبی امام زمان علیه السلام

یکی دیگر از معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که محمد بن ابراهیم بن مهزیار گفته

که من بعد از رحلت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در رابطه با امامت و جانشینی آنحضرت توجیه نبودم و از طرفی هم اموالی به عنوان سهم امام نزد پدرم جمع شده بود، او عازم عراق شد، من هم اموال را به جهت کمک با پدرم برداشته و در کشتی نشستیم که او را مشایعت کرده باشم، ناگاه تب شدیدی بر وی عارض شد به طوری که از ادامه زندگی ناامید شد،

گفت: فرزندم مرا برگردان که این تب علامت مرگ است، آنگاه گفت: در رابطه با این اموال که امانت است احتیاط کن، سپس وصیت کرد و از دنیا رفت

من با خودم گفتم: پدرم به ناحق وصیت نکرده پس بهتر آن است که اموال را به عراق برده و کنار شطّ خانه‌ای اجاره نموده و هیچکس را از جریان اموال خبر نکنم تا صاحب این اموال آنها را پی‌گیری نماید به همان نحوه‌ای که در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام روشن می‌شد، در چنین صورتی اموال را برگزار می‌کنم

و در ضمن امام خودم را نیز خواهم شناخت و گرنه بین فقراء و مستمندان تقسیم می‌نمایم

به عراق رفتم و کنار شط خانه‌ای اجاره کردم و چند روزی ماندم، روزی قاصدی آمد و نامه‌ای به من داد که نوشته بود ای محمد، مالی که فلان مقدار است و در فلان بسته محفوظ است به قاصدم تسلیم کن، وقتی دقت بیشتری به نامه کردم دیدم ریز ریز مطالب که پولها از کیست و تمام نشانه‌های دیگر در نامه نوشته شده است، لذا اموال را به قاصد تسلیم کردم، اما چند روزی منقلب و غمگین بودم تا اینکه نامه دیگری به افتخار من صادر شد که ما تو را به جای پدرت وکیل نموده‌ایم، من در این رابطه خدا را شکر کردم^(۱)

معجزات امام زمان علیه السلام در زمان غیبت کبری

در اوراق پیشین نوشتیم که برای حضرت امام زمان علیه السلام دو غیبت هست یکی غیبت صغری که مدّتش ۷۴ سال نوشته شد ولی غیبت کبری (دراز مدت) تا چه زمانی طول می کشد فقط خدا میداند و بس و هیچ کس نمی تواند وقت معین کند و به آخرین نائیش (علی بن محمد سمّری) فرمود: کسی را به عنوان جانشینی انتخاب نکن زیرا تا شش روز دیگر زنده‌ای و منهم در غیبت طولانی قرار می گیرم، این را غیبت کبری گویند که اکنون متجاوز از یکهزار سال می گذرد، در طول این مدّت معجزات و کرامات و عنایت خاصّه‌ای از آنحضرت به وقوع پیوسته که مطالعه میفرمائید

حضور پیش از ظهور

یکی از معجزات حضرت ولی عصر علیه السلام این است که

آنحضرت در کوچه‌ها و خیابان‌های ما حضور دارد ولی دیدن آنحضرت برای ما میسر نیست

دفع اشکال

اگر بگویند: چگونه ممکن است آنحضرت قبل از ظهور در میان مردم باشد جواب این است که ظهور با حضور فرق دارد و آن این است که از بیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام میخوانیم

فَوَرَبِّ عَلِيٍّ إِنَّ حُجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ مَاشِيَةٌ
 فِي طُرُقَاتِهَا، دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَ قُصُورِهَا
 جَوَالَةٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا، تَسْمَعُ
 الْكَلَامَ وَ تُسَلِّمُ عَلَى الْجَمَاعَةِ تَرَى وَ لَا تُرَى
 إِلَى الْوَقْتِ وَ الْوَعْدِ وَ نِدَاءِ الْمُنَادِي مِنْ
 السَّمَاءِ (۱)

سوگند به خدای علی در چنین روزی (روزی که مردم او را باور ندارند) حجّت خدا در میان آنها است، در کوچه و بازار آنها گام برمیدارد و در خانه‌های آنها وارد میشود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می‌پردازد و گفتار مردم را می‌شنود و بر اجتماعات آنها وارد میشود و سلام می‌کند، او مردم را می‌بیند ولی مردم او را نمی‌بینند تا روز معین و وقت مقرر، یعنی آن روزی که منادی (جبرئیل) میان آسمان و زمین ظهور حضرتش را اعلام نماید و مردم صدای اعلان را بشنوند

شایان ذکر است که سوگند علی علیه السلام قابل ملاحظه است و باید قدری تأمل کرد که آیا برای ما سوگند یاد می‌کند و یا برای دیگران، مسلم برای دیگران است، پس دانستیم که امام زمان علیه السلام گرچه ظهور نکرده ولی حضور دارد در میان ما، در کوچه و بازارها، ورود در بعضی از منازلی که اهل آن خانه شایستگی داشته باشند، در شرق و غرب سیاحت می‌کند، سخنان افراد را می‌شنود، اجتماعات را

شاهد است، به افراد سلام می‌کند، مردم را می‌بیند.

عیانی و نهانی

مطلب دیگری که از معجزات حضرت ولی عصر علیه السلام بحساب می‌آید این است که در بیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام میخوانیم:

يَسْرِي..... فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لِأَيْبُصِرُ
الْقَائِفُ أَثْرَهُ وَلَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ^(۱)

او در زمان غیبت میان مردم پوشیده از آنها زندگی میکند که اثرشناس جای پای او را نمی‌بیند، اگرچه با دیده دقت در آن بنگرد.

توجیه مطلب

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد ۹ صفحه ۱۲۶

کامل سلیمان در شرح حدیث مذکور آورده جای پای آن حضرت و یا نشانه‌های دیگر او را نه بینیم یک مسأله خدائی است و خود یک معجزه به حساب می‌آید که شخص حضرت در میان مردم باشد ولی از انظار غائب باشد و هر کس در این رابطه جدل کند درباره قدرت خدا جدال کرده، زیرا این یکی از عطایای خداوند متعال است که به اولیاء خود مرحمت فرموده و نظیرش روشن است از قبیل خضر پیامبر که به نص همه ادیان آسمانی حدود شش هزار سال در بین مردم زندگی می‌کند اما او را نمی‌بینند^(۱)

و در کتاب دیگر آمده: معاویه بن وهب گفت: من با امام صادق علیه السلام در مدینه بودم و آنحضرت بر مرکب خود سوار بود ناگاه دیدم پیاده شد و سجده‌ای طولانی انجام داد و من منتظر آن حضرت بودم در این حال سر از سجده برداشت و گفتم فدایت شوم چرا چنین کردید؟

فرمود: به یاد نعمت خدا افتادم و سجده کردم، گفتم: اینجا نزدیک بازار است و مردم در رفت و آمدند، فرمود هیچکس مرا نمی بیند^(۱)

بنابراین بودن حضرت بقیّة الله الاعظم در میان مردم ولی از انظار پنهان بودن از معجزاتی است که سایر امامان پیشین هم داشته اند.

بی اثر بودن گذشت زمان در امام زمان علیه السلام

گذشت زمان در هر انسانی مؤثر است نوجوان جوان میشود جوان به پیری می رسد، تارهای موی سر و صورت سفید می گردد چهره ها چُرک برداشته و رفته رفته قد خمیده میشود و قیافه ها تغییر پیدا می کند، اما تمام این نامبرده ها در حضرت ولیّ عصر بی اثر خواهد بود چنانچه در حدیث آمده: که اباصلت هر وی از

حضرت امام رضا (علیه السلام) پرسید: علامت و نشانه‌های حضرت قائم هنگام ظهور چیست؟ فرمود:

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخُ السِّنِّ شَابًا
الْمَنْظَرِ حَتَّى أَنْ النَّاطِرَ لِيَحْسِبَهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ
سَنَةٍ أَوْ دُونَهَا، وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ
بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ^(۱)

علامت و نشانه‌اش این است که از نظر عمر پیر است ولی از نظر قیافه جوان می‌باشد تا جایی که بیننده حضرت او را چهل ساله و یا کمتر می‌داند و یکی دیگر از نشانه‌هایش این است که با مرور زمان پیر نخواهد شد و روزها و شبها در وی اثر نمی‌گذارد تا زمانی که اجلش فرارسد

دید معجزه آسا

همه مردم اگر چشم سالمی داشته باشند می‌توانند فقط افراد یا اشیاء روبرو و مقابل خودشان را به بینند، ولی یکی از معجزات امام زمان علیه السلام این است که دنبال سر خود را نیز می‌بیند، چنانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده

وَالْإِمَامُ يَرَى مَنْ خَلْفَهُ كَمَا يَرَى مَنْ أَمَامَهُ^(۱)

امام علیه السلام کسی را که در پشت سرش قرار دارد همانند کسی که پیش رویش قرار دارد می‌بیند

علامه حلی (ره) در خدمت امام زمان علیه السلام

یکی دیگر از معجزات امام زمان علیه السلام عاجل الله تعالی فرجه الشریف این است که از احادیث و روایات و فتاوای علمای اعلام با خبر است و این مطلب از علوم غیب است که اختصاص به انبیاء و امامان شیعه دارد، در این

مورد جریان ذیل را بخوانید

یکی از علمای بزرگ شیعه علامه حلی است که کتاب (تذکره) یادگار آن بزرگوار است، از شخص ایشان نقل شده که شبی برای زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بر درازگوشی سوار بودم و می‌رفتم، در میان راه به مردی برخوردیم که لباس بادیه نشینان در بر داشت و پیاده می‌رفت، در بین راه با هم به گفتگو پرداختیم از سخنانی که می‌گفت دریای مواجی از علم به نظر می‌رسید، ناچار شدم مسائل مشکل را از وی بپرسم، وقتی به جوابهای وافی رسیدم دانستم که حلال مشکلات است، چند موضوع که برای خودم از دشوارترین مسائل علمی بود از او پرسیدم همه را برایم روشن کرد و علاوه بر اینها در یک مسئله فتوا صادر کرد ولی خلاف آن به نظر می‌رسید گفتم: این فتوی با اصول و قواعد سازگار نیست و بدون دلیل و برهان نمی‌شود آن را قبول کرد، او گفت: دلیل بر این نظر حدیثی است در کتاب (تهذیب

شیخ طوسی) در جواب گفتم: چنین حدیثی را به یاد ندارم در کتاب تهذیب دیده باشم، گفت: به کتابی که در خانه‌ات داری مراجعه کن که در صفحه... و سطر... خواهی دید، در تعجب قرار گرفتم که این از علوم غیب است که می‌گوید، ولی این کیست که از غیب خبر می‌دهد ناگهان ذهنیت پیدا کردم او گوهر تابناکی است که آرزوی دیدار وی را دارم، از حالت عادی خارج شدم و تازیانه از دستم افتاد، به کنایه از وی پرسیدم آیا در غیبت کبری ممکن است به دیدار امام زمان عجله شرفیاب شد، آن بزرگوار خم شد و تازیانه را از زمین برداشت و به دست من داد و فرمود: چرا نمیشود، در حالی که دستش اکنون در دست شما است،

از شدت شوق خودم را به پاهایش افکندم و بیهوش شدم وقتی که به هوش آمدم آنحضرت را ندیدم، با افسردگی به خانه رسیدم حدیث را در همان صفحه و

سطری که فرموده بود در تهذیب شیخ طوسی دیدم^(۱)

شفای بیماری که از همه جانا امید بود

مطلبی که در ذیل می خوانید مربوط به یک بیماری است که به عنوان معالجه به بعضی از کشورهای اروپائی رفته بود ولی سرانجام با یأس و ناامیدی روبرو شد و چاره‌ای جز توسل ندید و بالاخره از منجی عالم بشریت نجات خواست و نجات یافت

گرچه حقیر این مطلب را در کتاب (توسلات یا راه امیدواران) نوشته‌ام اما چون این کتاب مربوط به معجزات امام زمان علیه السلام است دوست دارم که زینت بخش این اوراق گردد، مطلبی که میخوانید به قلم علامه بزرگوار مرحوم مغفور حاج سید احمد میرخانی امام جماعت مسجد ولی عصر (عج) است که در خیابان

آذربایجان تهران قرار گرفته و مطلب بر اساس درخواست حقیر نوشته شد و سالها بعد از چاپ کتاب تووولات، ایشان در قید حیات بودند، رَحْمَةُ اللَّهِ وَ رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ

اینک اصل مطلب را به قلم مرحوم مغفور حجة الاسلام میرخانی ملاحظه میفرمائید

حقیر شبی در یکی از هیئت‌های مذهبی که متعلق به خرازی فروشهای تهران بود شرکت داشتم و به مناسبت ماه شعبان و تعلق داشتن ایام و لیالی به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام منبر درباره آنحضرت بود

بعد از پایان منبر یکی از دوستان به من گفت هیچ خبر از آقای اشتری دارید که مدتی نمی آمده ولی امشب آمده، من علت نیامدن مشارالیه را پرسیدم گفت فرزند ایشان که جوان هجده ساله است به مرض صعب و سختی مبتلا و پس از معالجات و مداوای زیاد از نسخه‌ها اثری

ندیده و عاقبه الامر به وسیله حضرت ولی عصر عجل
الله تعالی فرجه از خدا شفا گرفت

به دنبال این خبر آقای نامبرده به نزدیک آمد و از
چگونگی قضیه پرسیدم، مختصراً بیان کردند و گفتند:
مایلم تمام دوستان هیئت بدانند بنابراین خوب است
هفته آینده هیئت در بنده منزل باشد تا تمام قضیه را
مشروحاً برای همه بیان کنم

هفته دیگر شب بیستم ماه شعبان ۱۳۸۴ قمری بود هیئت
در منزل مزبور منعقد و برقرار گردید، پس از برگزاری
مجلس و پایان منبر مردم را به این مطلب توجه داده و
گفتم اصل قضیه را از آقای اشتری بشنوید

گرچه عده‌ای از مطلب مزبور با خبر بودند و در بازار هم
شهرتی پیدا کرده بود ولی در عین حال همه مایل شدند
که آن را از بیان خود ایشان بشنوند، آقای اشتری چنین
گفتند که جوانی هیجده ساله دارم و او در سه سال قبل به
بیماری خطرناکی گرفتار و در نتیجه کاسه سر او را

برداشته و عمل جراحی انجام شد، از اول زمان بیماری تا هنگام عمل جراحی سه سال طول کشید و بعد از انجام عمل به یک بیماری دیگری مبتلا گردیده و به طوری مرض او را از پا آورده بود که اطباء تهران از معالجه او عاجز و مأیوس شده و دیگر نسخه نمی دادند و مرگ را برای او پیش بینی میکردند ولی از آنجائی که بشر در هیچ حالی نباید ناامید باشد مریض مزبور را برای معالجه به اروپا برده و به متخصصین مراجعه ولی بعد از معاینات دقیق و خرجهای زیاد کوچکترین نتیجه ای دستگیر و عاید مانشد و بعد از هرگونه کوششی عاقبة الامر گفتند که مریض را هرچه زودتر به تهران عودت دهید زیرا مرگ او حتمی است با این حال بهتر است که او در منزل خود بمیرد،

ما با یکدنیا افسردگی جوان را مثل مرده ای که کوچکترین حرکتی نداشت با هواپیما به تهران حمل داده و پس از پیاده شدن در فرودگاه، بر اثر بی حالی و

ضعف مفرط او را با آمبولانس به منزل آوردیم و درد شدیدتر شده و در اثر خوابیدن زیاد بدن وی زخم و مزید بر تأثر گردید و علاوه بر اینها ادرارش بند آمده و ناچاره با وسیله مخصوصی می کشیدند و از همه بالاتر از سنگینی یک پتو هم که به روی او می انداختیم اظهار ناراحتی میکرد تا اینکه کم کم زبان او هم از حرکت باز مانده و به زحمت حرف می زد

در چنین موقعی پدر و مادر بیچاره چه کنند، از تمام جاها مایوس شده و وسائل بشری نمی توانند او را از این بند مهلک به در آورد، تمام کوششها بی نتیجه مانده. در این صورت انسان مغرور فقط یک روزنه امید دارد و به دنبال یک قدرتی مافوق تمام قدرتها می گردد و آنهم خدا است،

برای آنکه از آن قدرت و اراده حضرت احدیت استفاده کنم ناچار متوسل به حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء شده تا بلکه به این وسیله بتوانم به حاجت خود رسیده و

شفای کامل فرزندم را گرفته باشم
 به دنبال این فکر موضوع توسل را با مادر مریض در
 میان گذاشتم او صاحب درد بود و شب و روز از
 ناراحتی و غم و اندوه آرام نداشت قرار شد با من
 همدردی کند و به نوبه خود به امام زمان علیه السلام متوسل
 شود

شبها من در اطاق مخصوص خودم که مجاور اطاق بیمار
 بود به توسل اشتغال داشته و مادرش نیز در اطاق دیگری
 که جنب اطاق بیمار بود به همین کار مشغول شد تا آنکه
 یکی از این شبها جوان مریض پیشنهاد کرد که خود نیز با
 ما، در مقام توسل برآید ولی نمی دانست که در توسل چه
 بگوید

من پیشنهاد او را پذیرفته به او گفتم یکهزار مرتبه بگو (یا
 ضَاحِبَ الزَّمانِ اَدْرِکْنِی) او ذکر مزبور را یاد گرفته اما
 چون زبانش یارای گفتار نداشت به زحمت مشغول
 شد،

مادر جوان می گوید در اثنای کار من یک نفری را دیدم که از ایوان پشت شیشه گذشت و وارد اطاق گردید، گمان کردم که شمائید برای تجدید وضو بیرون رفته و در مراجعت به اطاق بیمار رفته اید تا حال او را بپرسید لذا چیزی نگفته مشغول به کارم شدم

جوان بیمار می گوید که من با قلبی شکسته و مملو از غم و اندوه که در اثر مداوا و معالجات زیاد حتی رفتن به خارج از کشور و جواب یأس از دکترها مرگ را برای خودم حتمی می دانستم با اخلاص هرچه تمام به ذکر مزبور مشغول شدم و تا هفتصد مرتبه گفتم: (یا ضاحِبَ الزَّمانِ اَدْرِکْنِی) ناگاه دیدم آقائی کنار بسترم نشسته اما چون در هاله‌ای از نور بود صورتش را ندیدم، از من احوال پرسید و فرمود: سیصد مرتبه از ذکر تو مانده است؟ گفتم: بلی

من خواستم دست خود را حرکت داده و به طرف زنگی که نزد من بود ببرم و به این وسیله پدر و مادرم را خبر

کنم که بیایند و آقا را به بینند دستم قادر به حرکت نبود، در این حال آقا به من فرمود: خوب شدی بلند شو!! من هم بدون درنگ برخاستم و در خود احساس درد نکردم ولی دیگر آقا را ندیدم

از فرط خوشحالی با دست خود به در کوبیدم و پدر و مادرم را صدا کردم، آنها با شنیدن صدای من آمدند و مرا نشسته دیدند، تعجب کردند و لباسم را بالا برده و اثری از زخمهای مزبور ندیدند، اظهار شادمانی کردند گفتم فعلاً بگذارید من مقداری بخوابم زیرا چند شب است که از شدت درد نخوابیده‌ام، او به دنبال این حرف به استراحت پرداخت

از صبح فردا وضع ادرارش به حال طبیعی برگشت و دیگر نیازی به آن دستگاه مخصوص که ادرار بکشد نداشت و بدون کمک در اطاق و حیاط منزل راه رفت با این بیان اهل هیئت مشتاق شدند که آن جوان را به بینند، آقای اشتری جوان خود را صدا زده او با پای

خود آمد و نزد ما نشست و ما علامت بیماری در او
 ندیدیم مگر آنکه لاغر و ضعیف می نمود، این دلیل بود
 بر اینکه تازه از بیماری درآمده است^(۱)

این خانه را درمی زخم

پیوسته با غم می زخم

شاید به بینم روی تو

یا بن الحسن یا بن الحسن

من تشنه وصل توام

عاشق به درمان توام

تا کی بنالم از غمت

یا بن الحسن یا بن الحسن

آدم توئی موسی توئی

هم نوح و هم عیسی توئی

هم شیث و هم یحیی توئی

یا بن الحسن یا بن الحسن

۱- نوشته مرحوم حجة الاسلام حاج سید احمد میرخانی (ره)

از دیگران بیگانه‌ام

من عاشق این خانه‌ام

ما را مران از خانه‌ات

یا بن الحسن یا بن الحسن

شفای این زن نابینا را بخوانید

یکی از معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که در نجف اشرف زنی بنام (ملکه) دختر عبدالرحمن، همسر ملاً امین مبتلا شد به درد سری که طاقت فرسا بود، روز بعد بر اساس همان درد نور چشمش از دست رفت تا جایی که هیچ جا را نمی‌دید،

به شوهرش گفتند او را شبانه به حرم حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ببرد تا شفا یابد، همان شب دردش قدری تسکین پیدا کرد و خوابید اما در خواب دید که وی را سوی حرم حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

می‌برند، در وسط راه مسجد بزرگی دید که جمعیت زیادی در آن جمع شده‌اند خود نیز داخل مسجد شد و مشغول تماشا بود ناگهان شخصی فریاد زد ای (ملکه) ناراحت نباش خداوند چشمانت را شفا داد، ملکه گفت: شما کیستی؟ فرمود: منم (مهدی)

در این حال از خواب بیدار شد در حالتی که خوشحال و مسرور بود، وقتی که صبح شد با زنانی از دوستان و آشنایان نجف به سوی خارج از نجف حرکت کرد و در مقام حضرت مهدی که بیرون از محیط نجف است و در داخل وادی السلام قرار گرفته به تنهایی وارد گردید و در محراب آن مکان مقدس درآمد و به گریه و التجاء پرداخت و پیوسته گریه و زاری می‌نمود، آنقدر متوسل شد که حالت غشوه به او دست داد

در همان حالت بیهوشی دو مرد جلیل‌القدر دید که یکی از آنها بزرگتر از آن دیگری بود، آن مرد بزرگتر به ملکه گفت: راحت باش و خوف و ترس و ناامیدی به خودت

راه نده

ملکه به او گفت شما کی هستید؟ فرمود: منم (علی بن ابیطالب) و این مردی که همراه من می آید فرزندانم (مهدی) است، طولی نکشید از غشوه و حالت بیهوشی به هوش آمد در حالی که سلامتی خود را کاملاً بازیافته بود، زنان همراه صدا به صلوات بلند کردند، آنقدر اظهار خوشحالی می کردند که عموم اهل نجف باخبر شدند مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی (ره) در کتاب خزینة الجواهر آورده که منم شاهد آن صلوات و شادی‌ها بودم تو گوئی که الآن صدای آنها هنوز به گوشم می آید، این جریان سال ۱۳۱۷ هجری قمری اتفاق افتاد^(۱)

مؤلف این کتاب (محمد مهدی تاج لنگرودی واعظ) گوید: بعد از مطالعه و نوشتن جریان مذکور در تاریخ فروردین ۱۳۸۰ موفق به زیارت عتبات عالیات شدم

۱- خزینة الجواهر صفحه ۵۴۴ با تغییر کلی در عبارت

و یکی از افتخارات حقیر در طول زندگی این است که به همان مکان مقدّس (مقام حضرت قائم علیه السلام) در وادی السّلام نجف مشرّف شدم و از فضای ملکوتی آنجا فیض برده و موفق به بعضی از مستحبات نیز بوده‌ام
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

شفای این مرد را بخوانید

یکی دیگر از معجزات امام زمان علیه السلام شفای این بیمار است که میخوانید،

گرچه شفای بیمار به وسیله حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار اتفاق افتاده، ولی چون در مقام نوشتن بعضی از معجزات امام زمان علیه السلام هستیم لذا از این مطلب نیز استفاده میشود

یکی از علمای بزرگ و موثق که نام او در بحار الانوار خیلی به بزرگی یاد شده گفت: در شهر ما یکی از فقهاء گرفتار سکتة مغزی شده بود که معالجات در او اثر

نگذاشت و حتی از پزشکان بغداد کمک گرفتند نتیجه نداشت، به جدّه‌اش گفتند: یک شب او را ببرد قبّه شریفه‌ای که در حله معروف به مقام صاحب الزّمان است بگذارند تا صبح بماند تا شاید خدا او را شفا مرحمت فرماید

شخص مریض گفت: وقتی جدّه‌ام مرا به قبّه صاحب الزّمان برد که شب در آنجا بمانم ناگاه دیدم حضرت ولیّ عصر علیه السلام آمد و گفت برخیز گفتم: یکسال است که نمی‌توانم برخیزم فرمود: به اراده خدا برخیز سپس دستم را گرفت تا برخاستم و اثر فلج مرتفع شد

وقتی مردم این شنیدند بر سرم ریختند که نزدیک بود کشته شوم تمام لباسم را قطعه قطعه به عنوان تبرک بردند و لباس دیگری آوردند و پوشیدم و با بهبودی کامل به خانه‌ام برگشتم^(۱) شایان ذکر است که این جریان مربوط به سال ۷۵۹ هجری است

حمایت از حامیان حضرت علی علیه السلام

مرحوم علامه مجلسی نور الله مرقدہ در کتاب بحار از کتاب (کشف الغمّه) حکایتی نقل کرده که بسیار جالب است و ما، در اینجا به عنوان معجزه‌ای از معجزات امام زمان علیه السلام نقل می‌کنیم و آن حکایت این است

محمی الدین اربلی گفت: روزی در خدمت پدرم بودم، دیدم مردی نزدش نشسته و چرت می‌زند، در چنین حالی عمامه از سرش افتاد اما جای زخم بزرگی در سرش بود، پدرم پرسید این اثر زخم چیست؟ گفت: این زخم از جنگ صفین بر سرم آمده است، به وی گفتند شما کجا و جنگ صفین کجا، مگر خواب دیده‌ای؟

گفت: زمانی که به مصر سفر می‌کردم مردی از اهل (غزه) با من همراه و همسفر بود، در بین راه از جنگ صفین سخن به میان آمد، همسفرم گفت: اگر من در جنگ صفین بودم شمشیرم را از خون علی و یاران او سیراب می‌کردم، در جواب گفتم اگر من نیز در جنگ صفین

بودم شمشیر خود را از خون معاویه و پیروان او سیراب می‌کردم،

در این رابطه باهم به گفتگو پرداختیم تا بالاخره گفتم اکنون من از یاران علی علیه السلام و تو از یاران معاویه‌ای بیا با هم بجنگیم، با هم در آویختیم و زدوخورده مفضلی نمودیم، ناگاه متوجه شدم بر اساس زخمی که برداشته‌ام از هوش خواهم رفت در این حال شخصی با گوشه نیزه‌اش بیدارم کرد، من چشم گشودم او از اسب فرود آمد و دست روی زخم سرم کشید و فوری بهبود یافتم آنگاه گفت: همینجا بمان و بعد از اندکی ناپدید شد و خیلی زود برگشت در حالی که سر بریده همسفرم را که با من به نزاع پرداخته بود در دست داشت، فرمود: این سر دشمن تو است، شما ما را یاری کردی ما هم شما را یاری کردیم، چنانچه خداوند هر که را یاری او کند یاری می‌فرماید

پرسیدم شما کیستید؟ فرمود: من صاحب الامر هستم

آنگاه فرمود: بعد از این ماجری هر کس از شما درباره
 زخم سرت پرسید بگو ضربتی است که در صفین بر
 سرم آمده است^(۱)

منجی دنیا

ای دلبر یکتا بیا، ای محرم دلها بیا
 تنها توئی مشکل گشا، ای رهبر والا بیا
 چشم و چراغ عالمی، ای از تو نور و حرّمی
 در پرده سرّ اعظمی، ای آیت عظمی بیا
 ای دردمندان را طبیب، ای آیت فَتْحُ قریب
 دیگر به پایان شد شکیب ای منجی دنیا بیا
 ای یادگار مصطفی، ای مظهر لطف و صفا
 ای رحمت حق در خفا ای همدم دلها بیا
 ای بسی پناهان را پناه، افتادگان را تکیه گاه
 ای سایه لطف اله، ای یار ناپیدا بیا
 ای شاهد اعمال ما، ای واقف از احوال ما
 ای حاصل آمال ما ای قبله گاه ما بیا

دنیا ز طوفان سستم، پر شد ز امواج الم
 دل غرقه در دریای غم، ای نوح این دریا بیا
 آیات قرآن را زبان تنها توئی در این زمان
 ای شرع احمد را بیان، ای مظهر طاها بیا
 ای عدل تو، حیدر نما، صبر تو، صبر مجتبی
 ای دادخواه کربلا، ای زاده زهرا بیا
 معشوق هر پیغمبری، بر فرق نرگس افسری
 یا حجة بن العسکری، ای یار روح افزا بیا
 دور از نظرها تا به کی، سرگشته یارا تا به کی
 امروز و فردا تا به کی؟ تا کی تک و تنها بیا
 دلم که در تاب و تبی، خود منتظر روز و شبی
 گریان به یاد زینبی، ای رمز عاشورا بیا
 رزمندگان در جبهه‌ها، آن راهیان کربلا
 دارند بر لب این دعا، آقا بیا آقا بیا
 این خواهران داغدار، وین کودکان بی قرار
 در حال شوق و انتظار گویند ای مولا بیا
 می سوزد از هجران (حسان) ای جان پنهان جهان
 رخ بر متاب از عاشقان، ای یار بی همتا بیا^(۱)

۱- خلوتگاه راز، دیوان حبیب چایچیان متخلص به حسان

معجزات امام زمان علیه السلام در زمان ظهور

سخن گفتن درفش امام زمان علیه السلام

درفش همان عَلم و نشانه‌ای است که در بعضی از امور مورد استفاده قرار می‌گیرد و به عبارت دیگر پرچم مخصوصی است که افرادی در کنار آن جمع میشوند تا با آن پرچم و علامت شناخته شوند

حضرت رسول اکرم صلوات الله و سلامه علیه وقتی برای ابی بن کعب از حضرت مهدی علیه السلام صحبت می‌کرد که در آینده او با ظلم و ستیز دنیا برخورد شدید خواهد داشت، ابی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله خواست که علامات و دلائلی را از حضرت مهدی علیه السلام بیان فرماید، فرمود:

لَهُ عَلمٌ إِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ إِنْتَشَرَ ذَلِكَ
 الْعَلمُ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَنْطَقَهُ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى
 فَنَادَاهُ الْعَلمُ:

أُخْرِجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَاقْتُلْ أَعْدَاءَ اللَّهِ (۱)

برای او (حضرت صاحب الامر علیه السلام) در فشی است وقتی که ظهور و خروجش فرامی رسد به حرکت در می آید و خدا او را به سخن در می آورد، ندا میدهد: ای ولی خدا برخیز و حرکت کن و ظاهر شو و دشمنان خدا را کشته و نابود گردان.

این نیز یکی از معجزات امام زمان علیه السلام است که هنگام ظهورش واقع میشود، و کسانی که با قرآن آشنائی دارند می دانند که روز رستاخیز خداوند متعال اعضاء و جوارح مردم را به سخن در می آورد و درباره اعمال و کردار افراد گواهی میدهند، مجرمین و گنهکاران به دست و پا میگویند چرا بر گناه ما گواهی دادید میگویند

أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ

خدائی ما را به سخن در آورد که همه چیز را به نطق و سخن در می آورد

بنابراین برای اهل ایمان هیچ استبعادی ندارد که عَلم و درفش امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه الشریف سخن بگوید.

سخن گفتن شمشیر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام

یکی دیگر از معجزات امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام این است که شمشیر حضرت سخن میگوید، چنانچه در حدیث شریف آمده: وقتی که پیامبر صلوات الله و سلامه علیه جریان ظهور حضرت را خبر داد به مطلب نامبرده هم اشاره کرد و فرمود:

وَلَهُ سَيْفٌ مُّغْمَدٌ، فَإِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ
 اِقْتَلَعَ ذَلِكَ السَّيْفُ مِنْ غِمْدِهِ وَانْطَقَهُ اللَّهُ
 عَزَّوَجَلَّ فَنَادَاهُ السَّيْفُ:
 اُخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَلَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَقْعُدَ عَنْ
 اَعْدَاءِ اللَّهِ فَيَخْرُجُ وَ يَقْتُلُ اَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ

ثَقَّفَهُمْ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ. (۱)

برای امام زمان علیه السلام شمشیری است در غلاف، وقتی که میخواهد خروج کند شمشیر از غلاف خود خارج میشود و خدا او را به سخن در میآورد پس ندا میدهد خارج شو و ظهور کن ای ولی و نماینده خدا شایسته نیست که در مقابل دشمنان خدا بنشیند، آنگاه خارج میشود (ظهور میکند) و دشمنان خدا را می کشد و غلبه می کند و حدود خدا را بر پا میکند و به حکم خدا حکم می نماید

نکته لازم به توجه

سخن گفتن شمشیر ممکن است به نظر بعضی ها بعید باشد ولی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله سابقه دارد انس بن مالک گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله سنگریزه

بدست گرفت آنها به تسبیح پرداختند و ما صدای تسبیح را می شنیدیم، بعد ما به دست گرفتیم صدائی از تسبیح نمی آمد^(۱)

این معجزه رسول خدا بود که سنگریزه در دست حضرتش سبحان الله میگوید، آنها معجزه امام زمان است که هنگام ظهور شمشیرش به امر خداوند متعال با وی سخن میگوید

شمشیر امام زمان (سوی از اسرار)

برای خداوند متعال اسراری است که جز او کسی نمی داند و مصادیق زیادی دارد که به بعضی از آنها اشاره میشود

۱- عصای حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَام) که در قرآن مجید آمده:
خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى * قَالَ هِيَ
عَصَايَ أَتَوَكَّوْا عَلَيَّهَا وَ أَهْشَ بِهَا عَلَيَّ غَنَمِي
وَلِي فِيهَا مَآرِبٌ أُخْرَى
قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى، فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ
تَسْعَى... (۱)

این چیست در دست داری ای موسی، موسی گفت: این
عصای من است که بر آن تکیه می‌کنم و گوسفندانم را
می‌رانم و نیازمندی‌های دیگرم را نیز به وسیله آن انجام
میدهم

فرمود: ای موسی عصا را بیفکن، وقتی که افکند از دهائی
شد که جست و خیز داشت

و در آیات دیگر از سوره‌های دیگر باز عصای حضرت
موسی مطرح است،

باید اعتراف کنیم: این عصا حساب دیگری داشت که
سایر عصاها نداشته و ندارند، ناگفته نماند که قدرت

خداوندی را نباید از نظر دور بداریم زیرا: لَا حَوْلَ وَ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

۲- یکی دیگر از مصادیق اسرار خداوندی، انگشتر
حضرت سلیمان است که در موارد و مواضع خاصی از
آن استفاده میشد، مخصوصاً هنگامی که میخواست
جنود و لشگریان غیبی را احضار کند از آن انگشتر
استفاده میکرد

از امام صادق علیه السلام روایت شده که خداوند متعال پادشاهی
حضرت سلیمان را در انگشترش قرار داده بود، هرگاه
آن انگشتر را در دست می‌کرد جمیع جن و انس و
شیاطین و مرغان هوا و وحشیان صحرا نزدش حاضر
می‌شدند و از وی اطاعت میکردند^(۱)

یادآور می‌شوم: قدرت در ذات انگشتر نبود بلکه فقط
قدرت خدا مطرح است که در انگشتر حضرت سلیمان
چنین جلایی بخشید: لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

۱- آخرین سفیر انقلاب جلد ۲ صفحه ۲۶۸ نقل از کتاب علم امام صفحه ۱۴۸

تمام قدرتی که در شمشیر امام زمان ما حضرت مهدی علیه السلام نهفته از جانب خداوند است و بس

شمشیر در برابر سلاح‌های روز!!

یکی دیگر از معجزات امام زمان علیه السلام این است که در مقابل سلاح‌های هسته‌ای و هیدروژنی با شمشیر به جنگ جنگجویان می‌رود، ولی شمشیر آنحضرت و سربازانش از ویژگی‌هایی برخوردارند، اینک متن حدیث را بخوانید

لَهُمْ سُيُوفٌ مِنْ حَدِيدٍ غَيْرَ هَذَا الْحَدِيدِ لَوْ
ضَرَبَ أَحَدُهُمْ بِسَيْفِهِ جَبَلًا لَقَدَّهُ حَتَّى
يَقْصِبَهُ^(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: برای سربازان امام زمان علیه السلام شمشیرهای آهنین است اما با این آهن‌ها فرق دارد، و آن

فرق این است که هرگاه یکی از سربازان آن شمشیر را به کوه بزند از بیخ می‌کند و دو نیم می‌نماید

ویژگی‌های شمشیر

از حدیث مذکور دو خصوصیت استفاده میشود

- ۱- آنجائیکه می‌فرماید: با این آهن‌ها فرق دارد
- ۲- قدرت شمشیر، که مرتفع‌ترین کوه را از جا در می‌آورد و از وسط دو نیم می‌کند

شایان ذکر است که باور کردن چنین مطلبی برای کسانی که از معارف اسلامی بی‌بهره‌اند، مخصوصاً بحث ولایت تکوینی به گوششان نرسیده خیلی مشکل است ولی کسانی که عقیده راسخی در رابطه با ولایت دارند با آغوش باز به استقبال چنین مطلبی می‌روند و میدانند سلاح‌های هسته‌ای در برابر تصرف امام هیچ است و

پوچ

بنابراین اگر حدیث شمشیر را که در بیان امام صادق

﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ خواندید هر جا بازگو کنیم باور کردنش برای عده‌ای که با بحث ولایت تکوینی آشنائی دارند آسان است،

مگر اصحاب فیل بر اثر بمباران چلچله‌های صف کشیده نابود نشدند

مگر نمرود با تمام قدرتی که داشت به وسیله پشه هلاک نشد، مگر دریا به امر حضرت موسی برای غرق فرعونیان شکافته نشد

با تمام این مقدماتی که بیان شد چه استبعادی دارد که بگوئیم سلاح‌های روز که هر روز پیشرفته‌تر میشوند به وسیله شمشیر امام زمان ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ از بین میروند

قدرت تخریبی سربازان امام زمان ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾

دنیای پرغوغای امروز هرگز نمی‌تواند ادعا کند که به فاصله ساعتی بتواند ساکنین بین مشرق و مغرب را نابود نماید ولی در رابطه با قدرت سربازان امام زمان ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾

آمده

لَوْ أَنَّهُمْ وَرَدُّوا عَلَيَّ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ مِنَ الْخَلْقِ لَأَقْتُوهُمْ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ، لَا يَخْتَلُّ الْحَدِيدُ فِيهِمْ^(۱)

اگر سربازان امام زمان میان ممالک شرق و غرب وارد شوند در مدت یک ساعت آنها را فانی می‌کنند و آهن در آنان اثر ندارد و کارشان را مختل نمی‌نماید

استفاده دیگر از حدیث

استفاده دیگر از حدیث این است که سلاحهای روز در آنان بی اثر خواهد بود

اعلام ظهور امام زمان به تمام زبان‌های دنیا

یکی از معجزات و خوارق عادات در رابطه با ظهور حضرت مهدی علیه السلام این است که مردم جهان ندائی از عالم بالا می شنوند که منادی معرف حضرت مهدی علیه السلام است ولی به اختلاف نقل شده که متقی هندی تمام آن اختلافات را در باب اول از کتاب (البرهان فی علامات المهدی آخر الزمان) آورده است

در بعضی از احادیث آمده که یک منادی از آسمان ندا میدهد و میگوید: **إِنَّ أَمِيرَ كُمْ فُلَانٌ**

و در جای دیگر می نویسد: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده:

مَلَكِي بِرَفْرَازٍ سَرَّشَ نَدَا مِيْهْدِي: إِنَّ هَذَا مَهْدِيٌّ فَاتَّبِعُوهُ

در جای دیگر آورده: منادی از آسمان ندا میدهد: **إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ**

ولی معجزه عجیب تر این است که از کتاب (عقد الدرر) نقل کرده: **وَ هَذَا النِّدَاءُ يَعْمُ أَهْلَ الْأَرْضِ وَ يَسْمَعُ أَهْلُ كُلِّ لُغَةٍ بِلُغَتِهِمْ**

یعنی ندا را همه اهل زمین می شنوند و اهل هر لغتی به

لغت خود آن را می شنود. (۱)

تجمع یکشنبه در مکه مکرّمه:

اینهم یکی از معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که تمام یارانش از هر جای دنیا در مکه همزمان خدمت حضرت جمع میشوند
این است روایتی که از بیان حضرت امام صادق (علیه السلام) رسیده است

إِذَا أَدِنَ الْإِمَامُ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ (ای باسم الله الاعظم) فَأَتِيحَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ، وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ: فَمِنْهُمْ مَنْ يُفْتَقَدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُصْبِحُ فِي مَكَّةَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُرَى يَسِيرًا فِي السَّحَابِ نَهَارًا (۲)

۱- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان باب ۱ شماره ۱۰

۲- روزگار رهائی جلد ۱ صفحه ۴۱۱ حدیث ۴۶۶

زمانی که به امام علیه السلام فرمان ظهور برسد خدا را با اسم اعظمش میخواند و همه یارانش از سراسر جهان گرد می آیند که یاران پرچمدار او هستند، گروهی از آنها شبانه از رختخوابشان ناپدید میشوند و صبح در مکه حاضر میگردند و برخی از آنها آشکارا دیده میشوند که روی ابرها راه می روند.

حضور معجزه آسای جوانان شیعه در مکه

یکی از معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که اصحاب آنحضرت شب قبل از ظهور در مکه مکرمه حاضر میشوند که ما، در همین کتاب متن حدیث را آوردیم ولی مطلب جالب تر این است که جوانان شیعه در عصر ظهور مانند مرغان سبکبال پرواز کنان در حضور حضرت حاضر میشوند، اینک به متن حدیث توجه فرمائید

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: بَيْنَا شَبَابَ الشَّيْعَةِ عَلَى

ظُهُورِ سَطُوحِهِمْ نِيَامٌ وَإِذَا تَوَافَوْا إِلَى
صَاحِبِهِمْ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ عَلَى غَيْرِ مِيْعَادٍ
فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ (۱)

جوانان شیعه در حالی که روی پشت‌بام‌های خود خوابیده‌اند همگی در یک شب به ندای آسمانی آنحضرت لبیک می‌گویند و در همان شب بدون وعده قبلی به سوی مکه می‌شتابند و صبحگاه خودشان را به آن مکان مقدس می‌رسانند (و به زیارت و دیدار امام و رهبر خویش نائل میشوند)

شایستگی جوانان

از حدیث مذکور استفاده‌های متعددی بدست می‌آید، یکی از آنها شایستگی جوانان است که پیوسته مورد توجه پیشوایان اسلام بوده‌اند، اینک نمونه‌اش را

۱- غیبت نعمانی باب ۲۰ حدیث ۱۱ و بحار ۵۲ صفحه ۳۷۰

میخوانید

شخصی بنام (احول) از بصره به مدینه
آمد و خدمت امام صادق علیه السلام از حال
شیعیان پرسید و در ضمن فرمود: محبت
آنان نسبت به ما اهل بیت چگونه است،
احول اظهار نارضایتی کرد، امام صادق علیه السلام
فرمود: عَلَيكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَيَّ كُلِّ
خَيْرٍ^(۱)

بر شما لازم است به سراغ جوانان بروید زیرا آنان در هر
کار خیری زودتر از دیگران عمل می کنند
انقلاب اسلامی ایران بهترین و گویاترین شاهد است که
به ندای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران لبیک گفتند و
با آغوشی باز به جبهه رفتند و نقشه های اجانب را نقش
بر آب نمودند.

در انتظار

بیا یابن الحسن جانها فدایت

بتاب ای شمس تابان هدایت

تو از سوی خدا مشکل گشائی

بیا مهدی بیا مهدی کجائی

زهجرت دوستانت دیده گریان

تمام عاشقانت زار و نالان

که شاید از پس پرده درآئی

اماما رهبرای مهدی کجائی

تو هستی وارث ختم رسولان

تو هستی وارث خون شهیدان

تو نور دیده خیرالنسائی

اماما رهبرای مهدی کجائی

غم عشقت به قلبم خانه کرده

دلم را هجر تو دیوانه کرده

تو فرماندار قلب و جان مائی

اماما رهبرای مهدی کجائی

تمام عمر خود چشم انتظاریم
 که سر را بر قدمهایت گذاریم
 تو نور دیدهٔ اهل و لائی
 اماما رهبرا مهدی کجائی
 بیاد کربلا و آل طاها
 بنالیم از دل و از جان اماما
 بیاد آن شهیدان خدائی
 اماما رهبرا مهدی کجائی
 اماما تو ولیّ انس و جانى
 امید انقلاب شیعیانى
 بیا مولا که مردم از جدائی
 اماما رهبرا مهدی کجائی
 بیا قلب محبّان را شفاده
 گذرنامه برای کربلا ده
 بیا ما را نما تو (کربلائی)
 اماما رهبرا مهدی کجائی^(۱)

جوانان اصحاب کهف در رکاب

امام زمان عجله

جریان اصحاب کهف را باید در تاریخ بخوانید ولی در اینجا فقط به این مطلب اشاره می‌کنیم که عدّه معدودی از جوانان طاغوت زمان خود را ترک کرده و از شهر و دیار خود نیز خارج گردیدند که خدای متعال درباره آنها میفرماید

إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا

سرانجام به غاری پناهنده شدند و پس از گذشت صدها سال خداوند آنها را زنده کرد و بعد از جریان عجیب آنان را میراند، یکی از معجزات آقا امام زمان عجله این است که خداوند متعال اصحاب کهف را زنده می‌کند و در میان آنها دو نفر بنامهای (ملیخا و خملاها) به سپاه امام زمان عجله ملحق میشوند^(۱)

تعداد زنانی که از یاران امام زمانند

در روایات و احادیث متعدّد از یاران امام زمان علیه السلام بحث شده ولی در رابطه با زنان و بانوانی که اینگونه شرافتی نصیبشان شود حدیثی مطرح است که ملاحظه میفرمائید حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

وَيَجِيئُنِي وَاللَّهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا،

مِنْهُمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ فِي مَكَّةَ (۱)

به خدا قسم که سیصد و ده و اندی نفر می آیند که در میان آنها پنجاه زن هست و اینها در مکه جمع میشوند شایان ذکر است که در زمان حضرت رسول اکرم صلوات الله و سلامه علیه در بعضی از غزوات نام بعضی از زنان آمده که به عنوان خدمات از قبیل پانسمان حضور داشتند ولی در این حدیث شریف مسئله پرچمداری مطرح است.

گرچه این مطلب از معجزات حضرت نیست اما از
جهتی نقل این حدیث لازم بود

فرار مشرکین هنگام ظهور امام زمان علیه السلام

به همان نحوه‌ای که گروهی از مسلمین مشتاق ملاقات
امام زمان علیه السلامند عده‌ای از کفار و مشرکین از
آمدن یک مصلح جهانی بیزار و متنفرند، لذا با کمال
قدرت در برابر حضرتش جبهه می‌گیرند ولی وقتی که
دانستند آنحضرت از یک قدرت فوق العاده‌ای بهره‌مند
است گروهی تسلیم شده و یا متواری شده و فرار
می‌کنند لذا:

یکی از معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه
الشریف این است که میخوانید

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقِ مُشْرِكٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ.
وَ لَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ لَوْ كَانَ فِي
بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ الصَّخْرَةُ:

يَا مُؤْمِنُ فِي مُشْرِكٍ فَاكْبِرْنِي وَاقْتُلْنِي^(۱)

وقتی که حضرت قائم علیه السلام ظهور می کند هیچ مشرک و کافری نمی ماند مگر آنکه از آمدن آنحضرت ناراحتند، حتی اگر در درون سنگی کافری پناه بگیرد سنگ به حضرت می گوید در درون من مشرک جا گرفته است، مراهشکن و کافر را به قتل برسان

سپاه ترس و وحشت

یکی دیگر از سلاحهای معجزه آسای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ترس و وحشتی است که از جانب خدا در دل دشمنان اسلام قرار می گیرد، این خود یک راهی است برای پیروزی و غلبه آن حضرت بر دشمنان در این رابطه روایات متعددی رسیده که به دو حدیث شریف اکتفا میشود

۱- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ : الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ ^(۱)

از محمد بن مسلم روایت شده که حضرت امام قائم از ما است، و او با رعب و وحشتی که در دل دشمنان او می افتد و با نصرت و یاری خداوندی ظهور می کند.

۲- قَالَ الصَّادِقُ (ع) : لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ ^(۲)

حضرت امام صادق (ع) فرمود: حضرت قائم (امام زمان (ع)) ظهور نمی کند مگر پس از ترس شدید

توجیه مطلب

منظور از ترس شدید این است که مردم آنچه را در ترس

۱- بحار الأنوار جلد ۵۲ صفحه ۱۹۱ حدیث ۲۴

۲- بحار الأنوار جلد ۵۲ صفحه ۲۳۱ حدیث ۹۶

و اضطراب قرار می‌گیرند که راهی برای مقابله با حضرتش پیدا نمی‌کنند و چاره‌ای جز تسلیم نیست این هم یکی از معجزات آقا امام زمان علیه السلام است که از جد بزرگوار خود (رسول خدا صلوات الله و سلامه علیه) به ارث برده، چون در جنگ بدر حضرت رسول با سپاه کم در برابر دشمن ایستاد که آنها با جمعیت فراوانی بودند ولی ترس و لرز و وحشتی که خدا در دل و قلب آنها قرار داد جز شکست چیزی نصیبشان نگردید، و آیه

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ^(۱)

ناظر بر همین مطلب است که خداوند متعال فرمود: به زودی در دل کافران ترس و وحشت می‌افکنیم که در بدر عملی گردید و مسلمین با این سپاه پیروز شدند

لشگرهای نامرئی خدا

باز هم در رابطه با کردار معجزه‌آسای امام زمان علیه السلام اینچنین استفاده می‌کنیم

در تفسیر نمونه جلد ۲۳ ذیل آیه ۲ جریانی را میخوانیم که کردار معجزه‌آسای حضرت مهدی علیه السلام را ثابت و روشن می‌نماید و آن جریان این است

یهود بنی نضیر در مدینه از امکانات وسیعی بهره‌مند بودند و تجهیزات فراوانی داشته‌اند، نه خودشان باور می‌کردند به این آسانی مغلوب شوند و نه دیگران، اما از آنجائی که خداوند قادر متعال میخواست به همه افراد معلوم و روشن سازد که چیزی در برابر اراده او قدرت مقاومت ندارد و حتی بدون آنکه جنگی رخ دهد از آن سرزمین بیرون روند خداوند به سراغشان آمد و در قلبشان وحشت و ترس ایجاد کرد تا به جائی که خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران میکردند

فَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي

قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ، يُخْرِبُونَ بِيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ
 أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ، فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ

خداوند متعال لشگر نامرئی ترس را که در بسیاری از جنگها به یاری مؤمنین می فرستاد بر قلب آنها چیره کرد مجال هرگونه حرکت را از آنها سلب نمود، آنها نیز خود را برای مقابله با لشگر آماده کرده بودند، بی خبر از آنکه خداوند لشگری از درون به سراغشان می فرستد و چنان آنها را در تنگنا قرار می دهد که خودشان با دشمن برای تخریب خانه هایشان همکاری کنند پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصر و بصیرت

جالب اینجاست که مسلمانان از بیرون، دژهای آنان را ویران میکردند که به داخل راه پیدا کنند و یهودیان هم از درون ویران می کردند تا سالم به دست مسلمانان نیفتد زمان ظهور حضرت مهدی عج هم چنین است که ترس و رعب و وحشت به عنوان لشگر نامرئی خدا در دل ظالمان و ستمگران به وجود می آید و چاره ای جز

برچیدن بساط ظلم و ستم ندارند

آنگاه که مخفیگاه‌ها سخن میگویند

یکی از آیات و معجزات ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که در آن زمان یهودی‌ها از ترس فرار را برقرار ترجیح داده و در پشت کوه‌ها و سنگ‌ها پناهنده میشوند، ولی مخفیگاه برای آنان سود ندارد زیرا سنگ از خفاء آنها خبر میدهد، چنانچه در حدیث شریف از بیان حضرت رسول صلوات الله و سلامه علیه می‌خوانیم

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَدُلَّ الْحَجَرُ عَلَى
الْيَهُودِيِّ فَيَقُولُ الْحَجَرُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا مَا
تَبْتَغِي (۱)

قبل از برپا شدن قیامت سنگ از مخفی‌گاه یهودیان خبر

میده‌د و میگوید: ای بنده خدا، آنچه که می‌خواهی اینجا است.

بدون شک این یکی از آیات و نشانه‌ها و معجزات امام زمان علیه السلام است که یهودیان نابود گشته و ریشه این ماده فساد به وسیله آقا امام زمان علیه السلام کنده می‌شود انشاء الله تعالی

امکانات و امدادهای الهی

در زمان ظهور امام زمان علیه السلام

در زمان انبیاء و پیمبران الهی تعصب‌های جاهلیت مانع بود از اینکه مردم به دین آسمانی درآیند، لذا در هر عصری از اعصار موحدین در شمار و عداد کمی بودند و اکثریت را مخالفین تشکیل میدادند، و مزاحمت برای پیروان انبیاء خیلی زیاد بودند، مثلاً در زمان پیامبر بزرگوار اسلام موحدین آنقدر در فشار و زحمت بودند که حدود هشتاد نفر از مکه به حبشه مهاجرت نموده و

حال آنکه تعداد جمع مسلمین به یکصد نفر نمی‌رسید ولی یکی از معجزات حضرت در زمان ظهور این است که آنچنان تعصب‌ها از بین می‌رود که خوف و ترس از کفار و مشرکین و منافقین زایل شده و مردم گروه گروه به اسلام رو آورده و این از وعده‌های خداوند متعال است

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ
دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ
خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي
شَيْئًا (۱)

خداوند متعال وعده داد به مؤمنین و کسانی که اعمال شایسته انجام می‌دهند افرادی را خلیفه و جانشین آنها قرار دهد بهمان نحوه‌ای که آنها را برای پیشینیان خلیفه

قرارداد و در برابر هرگونه ترسی خدا امن و آرامشی
به وجود آورد که خداپرست شوند و شریک برای خدا
قرار ندهند

این نیز یکی از بهترین اعجاز است که مردم بدون
هرگونه حاجبی به استقبال اسلام و برنامه‌های قرآنی
بروند

مردم دنیا در مرئی و منظر امام زمان عجله

یکی دیگر از معجزات امام زمان عجله این است که هنگام
ظهور، همه مردم دنیا (جهانیان) را می‌بیند، چنانچه در
حدیث شریف آمده:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ
الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ كُلُّ مَنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ،
وَخَفَّضَ لَهُ كُلُّ مُرْتَفَعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا
عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ، فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي

زَاحَتِهِ شَعْرَةً لَمْ يَبْصُرْهَا. (۱)

ابوبصیر از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: وقتی تمام امور به حضرت صاحب الامر (امام زمان علیه السلام) واگذار میشود، خداوند تبارک و تعالی هر پستی از زمین را برای آنحضرت بلند می‌کند و هر زمین بلند را برای وی پست می‌گرداند تا آنکه دنیا در نزد حضرتش مانند یک کف دست میشود، پس کدامیک از شماها اگر تار موئی در کف دستش باشد نمی‌تواند به بیند؟!!

کنایه از اینکه، شما بهمان نحوه‌ایکه تار موئی در کف دستتان باشد می‌بینید، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همانگونه دنیا را می‌بیند

خاطره‌ای از امام حسین علیه السلام و ام سلمة

اینکه گفتیم پستی و بلندی‌های زمین مسطح میشوند و دنیا مانند کف دستی در مقابل آنحضرت خواهد بود سابقه تاریخی هم دارد که ملاحظه میفرمائید

مرحوم محدث قمی رضوان الله تعالی علیه از قطب راوندی و بعضی از محدثین دیگر نقل کرده که یکی از زوجات رسول خدا ﷺ بنام (ام سلمه) هنگام خروج امام حسین علیه السلام از مدینه خدمت آنحضرت رسید و عرض کرد ای فرزند از خروجت بسیار غمناک و نگرانم زیرا از جد بزرگوار تو شنیده‌ام که فرزندم حسین در عراق کشته خواهد شد و نام آن سرزمین هم کربلا است

حضرت فرمود: ای مادر به خدا سوگند من نیز این مطلب را میدانم و جز رفتن چاره‌ای ندارم به خدا قسم میدانم در چه روزی کشته خواهم شد و میشناسم کشته خودم را و از محل دفن خودم نیز آگاهم و می‌شناسم کسانی را که با من شهید میشوند و اگر بخواهی محل شهادتم را به شما نشان دهم

در این حال به جانب کربلا اشاره کرد فوری به اعجاز آنحضرت زمین‌ها پست شد و زمین کربلا آشکار گردید و امّ سلمه محلّ شهادت و مضجع و مدفن آنحضرت را دید و به شدّت گریست و حضرت او را دلداری داد^(۱)

پس به همان نحوه‌ای که حضرت امام حسین علیه السلام توانست براساس معجزه پستی و بلندیهای زمین را مسطح کند و زمین کربلا را به‌بیند، حضرت صاحب‌الامر (امام زمان علیه السلام) نیز اینگونه عمل می‌کند. از حدیث مذکور میشود استفاده دیگری کرد و آن اینکه: ام سلمه از راه دور زمین کربلا و مدفن حضرت امام حسین علیه السلام را دید مردم دنیا حضرت حجّت امام زمان علیه السلام را از راه دور خواهند دید.

نصرت خداوندی به وسیله آیات و معجزات

تأیید و نصرت خداوند متعال پیوسته همراه با دعوت انبیاء و پیامبران الهی بوده و امامان شیعه نیز از چنین فیضی بهره‌مند بوده‌اند،

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با تأییدات الهی شرق و غرب عالم را پر از عدل و داد میکند، که اینک فرازی از سخنان حضرت علی علیه السلام را میخوانیم

يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ يَعْصِمُ أَنْصَارَهُ وَ
يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَ يُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى...
لَا يَبْقَى كَافِرًا إِلَّا آمَنَ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ (۱)

خدا او را تأیید می‌کند و با آیات و معجزات یاریش می‌نماید و بر سر تا سر زمین مسلط می‌گرداند تا آنکه.... روی زمین کافری نمی‌ماند جز آنکه ایمان می‌آورد و

شخص ناصالح نمی ماند مگر آنکه به صلاح و شایستگی در می آید.

آیا دوست دارید از اصحاب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) باشید؟

وقتی که ما می شنویم حضرت امام عصر ارواحنا له الفدا روزی ظهور می کند و در این رابطه اصحاب و انصاری دارد آرزوی ما هم این است از همان افراد باشیم، حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ
فَلْيَنْتَظِرْ وَ الِيعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ
الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ
بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ،
فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ^(۱)

هرکس دوست دارد از یاران و اصحاب حضرت

قائم علیه السلام باشد پس منتظر باشد و به نیکوئی و پرهیزکاری و خوش اخلاقی عمل کند، چنین کسی منتظر است، پس اگر از دنیا رفت و سپس حضرت تشریف آورد، او به پاداش یاوران حضرت خواهد رسید، پس بکوشید و سعی کنید و چشم به راه آقا امام زمان علیه السلام باشید

روز وصل

روز وصل رخ جانان شود انشاء الله
 این شب هجر گریزان شود انشاء الله
 آفتابی که دهد فیض به عالم زسحاب
 از پس ابر نمایان شود انشاء الله
 فرج منتظر ای منتظران مهدی
 صادر از رحمت یزدان شود انشاء الله
 قد خم گشته اسلام شود راست چو سرو
 خم قد دشمن قرآن شود انشاء الله

آتش جنگ جهان را به ستوه آورده
 رسم این فتنه به پایان شود انشاء الله
 روز پیروزی مردان خدا می آید
 پرچم فتح به کیهان شود انشاء الله
 گوش عالم شنود نغمهٔ جاء الحق را
 زهق الباطل ادیان شود انشاء الله
 از پس پردهٔ غیبت بدر آید مهدی
 ظاهر آن خسرو خوبان شود انشاء الله
 بلبلان را بدهای باد صبا دلداری
 که جهان همچو گلستان شود انشاء الله
 غم مخور دیدهٔ یعقوب زمان بار دگر
 روشن از یوسف کنعان شود انشاء الله
 تیره بختی شود از حق طلبان آخر دور
 جلوه گر شمس درخشان شود انشاء الله
 ز آستین علوی دست حق آید بیرون
 یاور خیل ضعیفان شود انشاء الله

آن شفا بخش دل جده خود می آید
 پهلوی فاطمه درمان شود انشاء الله
 حُجَّوْبِنِ الْحَسَنِ آن مهدی موعود زمان
 منتقم بهر شهیدان شود انشاء الله
 مشعل نور و صفا از کرم حق طالع
 زینت بزم فقیران شود انشاء الله^(۱)

۱- اسماعیل وئی خانی متخلص به طالع، (ره)

معجزات امام عصر علیه السلام در زمان قیام و انقلاب

خطبه غدیریه و خبرهائی از امام زمان علیه السلام

در حجّة الوداع حضرت رسول صلی الله علیه و آله مأمور شد که امام و جانشین خود را معرفی کند لذا در حضور هزاران نفر جمعیت خطبه‌ای ایراد فرمودند که حاوی بسیاری از مطالب و معارف اسلامی است و ما فقط به چهار مورد اشاره می‌کنیم

۱- خبر غیبی حضرت رسول اکرم صلوات الله و سلامه علیه است که در خطبه غدیریه از ۲۵۰ سال بعد از زمان خود (ولادت حضرت مهدی علیه السلام) را مژده می‌دهد

۲- تخریب دژهای محکم و فتح و پیروزی امام زمان علیه السلام

۳- فروپاشی بساط مشرکین به دست امام زمان علیه السلام

به طور معجزه آسا

۴- جهانی کردن اسلام در مدّت بسیار کوتاه

اینک فرازی از خطبه غدیریّه رسول خدا را مطالعه میفرمائید

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ

بدانید که او (حضرت مهدی) بر تمام ادیان غالب میشود

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا

او (حضرت مهدی) گشاینده و تخریب کننده دژهای محکم است

أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ

او کشنده و برهم زننده بساط مشرکین است^(۱)

امام زمان عجله و حکومت جهانی

یکی از بحثهایی که از دیرزمان مورد بحث خطباء و

۱- احتجاج ظبرسی جلد ۱ صفحه ۱۵۴ فرازی از خطبه غدیریّه

نویسندگان قرار داشت حکومت واحد جهانی است ولی چگونه و چرا؟ کسی خبر ندارد اما بعضی از علمای ما از جمله مرحوم محدث قمی رضوان الله تعالی علیه آورده:

وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً
وَكَرْهاً^(۱)

یعنی اهل آسمان و زمین در برابر امام زمان علیه السلام خواه و ناخواه تسلیم خواهند شد

به عبارت دیگر حکومت و سلطنت آنحضرت تمام زمین را از مشرق و مغرب بر و بحر و حتی کوه و دشت را فرا می‌گیرد و در تمام اماکن حکم آنحضرت نافذ خواهد بود

ای خواننده عزیز آیا این معجزه نیست که یک نماینده الهی آنچنان قدرت‌ها را در اختیار خود قرار دهد که در تمام جهان حاکمی جز او نباشد و کسی جرأت نکند که

با حضرتش مخالفت نماید!!

عدل جهانی

کلمهٔ عدل شیرین‌ترین کلمه‌ای است که در هر عصر و زمانی مطرح بود ولی هنوز مصداق خارجی پیدا نکرده، گرچه در زمان حضرت علی علیه السلام حکومت عادلانه‌اش چشمگیر بود اما جهانی و عالمگیر نبود زیرا اسلام نوپا هنوز به جایی نرسیده بود که عدل علی عامه مردم دنیا را زیر چتر خود قرار دهد و علاوه بر اینها مردم تحمل حکومت عادلانه‌اش را نداشتند و به شهرهای دیگر میرفتند تا از عدل حضرتش محفوظ بمانند و در نتیجه امام علی را کشتند و او اول شهید محراب شد

ولی بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام عدلش جهانی میشود چنانچه در دعای عدیله میخوانیم

وَ بِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا

مَلَأَتْ ظُلْماً وَ جَوْرًا

به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
خدا زمین را از قسط و عدل و داد پر می‌کند بعد از آنکه
از جور و ظلم و ستم پر شده باشد.

ای خواننده عزیز آیا معجزه‌های بالاتر از این میشود که در
مدت کوتاه عدل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه
الشریف دنیا را فراگیرد؟

امنیت جهانی زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام

نهایت آرزوی افراد روی زمین امنیت جهانی است،
چنین امنیتی فقط در زمان حکومت امام زمان علیه السلام برای
مردم دنیا میسر خواهد بود، چنانچه در حدیث شریف
میخوانیم

يُطْفِئِي اللَّهُ بِهِ الْفِتْنَةَ الْعَمِيَاءَ وَ تَأْمَنُ الْأَرْضُ

حَتَّىٰ أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَجِجُ فِي خَمْسِ نِسْوَةٍ مَا

مَعَهُنَّ رَجُلٌ، لَا تَتَّقِي شَيْئاً إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى (۱)

خداوند متعال به وسیله حضرتش فتنه کور را خاموش می گرداند تا به جایی که زن با پنج تن از زنان دیگر می تواند حج انجام دهد در حالیکه مردی همراهشان نیست، این زنان از چیزی جز خدا نمی ترسند

رفع هرگونه ظلم و ستم

گرچه پیامبران الهی پیام آور عدل و امنیت بودند ولی محور بحث ما عدل و امنیت جهانی است تاریخ اسلام نشان می دهد که حضرت رسول اکرم صلوات الله و سلامه علیه اول شخصیتی بود که به حکومت اسلامی شکل داد و در این رابطه فرمانداران به بلاد مختلفه فرستاد تا عدل و امنیت برقرار کنند و این یک معجزه بود زیرا آثار جاهلیت را از بین بردن و سنت

تازه‌ای به وجود آوردن جز از طریق امداد الهی راه دیگری نداشت، ولی دامنهٔ فعالیت آنقدر گسترده نبود که در تمام بلاد عالم راه یابد،

در زمان حضرات معصومین و جانشینان پیامبر اسلام غوغای خلافت کوچکترین اثرش این بود که عدل و داد از محدودهٔ حکومت مسلمین تجاوز نکرد، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم که مظهر تمام صفات حمیده بود توفیق جهانی کردن عدل و امنیت را به دست نیاورد در زمان امامان دیگر شیعه هم حبس‌ها و تبعیدها و محدودیت‌های دیگر سدّ راه موفقیت آنها بود، ولی براساس روایاتی که در کتابها آمده، در عصر حضرت مهدی علیه السلام چنین انتظار میرود که در ذیل میخوانید

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي
 أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأُخْرِجَتِ
 الْأَرْضُ بَرًّا كَلَّتْهَا وَرَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَىٰ أَهْلِهِ... (۱)

زمانی که حضرت قائم ظهور کند به عدل و داد حکم می‌کند و در روزگار حکومت آنحضرت جور و ستم رخت برمی‌بندد و راه‌ها از امنیت خاصی برخوردار میشوند و زمین برکات خود را خارج می‌نماید و حقّ به صاحب حقّ می‌رسد....

صاحبان سیاست و ارباب دانش می‌دانند برقراری عدل در جهان پرغوغای امروز یک معجزه است که از جانب خداوند متعال به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عنایت میشود.

سفرهای فضائی و آسمانی

یکی دیگر از معجزات امام زمان علیه السلام مرکب فضائی آنحضرت است که به کرات آسمانی سفر می‌کند و از کهکشان‌ها هم می‌گذرد و آسمانها را نیز پشت سر می‌گذارد، چنانچه از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که می‌فرماید:

عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ إِنَّهُ قَالَ ابْتَدَأَنِي
 أَبُو جَعْفَرٍ (ع) فَقَالَ أَمَا إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ
 خَيْرَ السَّحَابَتَيْنِ

فَاخْتَارَ الذَّلُولَ، وَذَخَرَ لِصَاحِبِكُمْ الصَّعْبُ
 قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الصَّعْبُ؟ قَالَ: مَا كَانَ مِنْ
 سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ بَرْقٌ وَ صَاعِقَةٌ
 فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ، أَمَا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابُ
 وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ
 السَّبْعِ ^(۱)

مردی بنام عبدالرحیم گفت که حضرت امام محمد باقر
(ع) به من فرمود:

آگاه باش که ذوالقرنین مخیر شد بین دو ابر، او ابر ذلول
 (آرام) را انتخاب کرد، ولی ابر صعّب را برای حضرت
 صاحب ذخیره کرده، گفتم: ابر صعّب چیست؟ فرمود:
 ابری که دارای رعد و برق و صاعقه است، پس امام بر آن

سوار میشود و به آسمان‌های هفتگانه بالا می‌رود
(سفر فضائی و آسمانی)

بادهای صرصر در اختیار امام زمان علیه السلام

یکی از معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه
الشریف این است که بادها در اختیار حضرتش قرار
می‌گیرند، چنانچه در حدیث معراج آمده:

وَلَأَسْخَرَنَّ لَهُ الرِّيحَ

ما بادها را در اختیار وی و در تسخیرش خواهیم
قرار داد^(۱)

شایان ذکر است که این مطلب سابقه قبلی نیز دارد
چنانچه در قرآن مجید میخوانیم

وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى
الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ كُنَّا بِكُلِّ شَيْئٍ

۱- کمال الدین صفحه ۲۵۶ فرازی از حدیث معراج

عَالَمِينَ^(۱)

باد تند را مسخر سلیمان قرار دادیم تا به امر او به سرزمین بابرکت شامات حرکت کند و ما به همه امور دانائیم.

و در آیه دیگر میفرماید:

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوها شَهْرًا وَ رَواحُها

شَهْرًا.....^(۲)

و باد را مسخر سلیمان قرار دادیم تا بساطش را صبحگاه یک ماه راه ببرد و عصر هم یک ماه

بنابراین از آیه استفاده میشود: حضرت ولی عصر علیه السلام وقتی که تشریف آورد خداوند متعال ابر و باد را در اختیار وی قرار میدهد به همان نحوه ای که در دو آیه مذکوره استفاده گردید.

این به جای خود یکی از معجزات امام زمان علیه السلام است

تصرف در عقول و افکار مردم

زمانی که حضرت امام زمان علیه السلام ظهور می کند زمانی است که پیشرفت های علمی جهان را متحول کرده و دگرگونی عجیب به وجود می آورد، امروز مسافرت های فضائی سلاح های اتمی و هسته ای و سایر مظاهر و آثار تمدن بکلی دگور دنیا را عوض نموده است. لذا برای چنین روزگاری درک یک پیشوا و یک کتاب و یک قبله و یک آئین بسی دشوار و مشکل خواهد بود، و اطاعت و پیروی از او نیز مشکل تر لذا مردم نیاز به فکر و عقل و تدبیر خاصی دارند که بتوانند اولاً یک حقیقتی را بپذیرند و ثانیاً از او کاملاً پیروی نمایند، برای تأمین چنین مطلبی از یک معجزه بزرگی استفاده میشود و آن این است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرماید

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ

فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ كَمَّلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ^(۱)

وقتی که حضرت قائم از خاندان ما قیام کرد، دست خود را بر سر مردم می‌گذارد (سرپرستی او موجب می‌گردد) که عقلهای مردم به کمال برسد

اقامتگاه امام زمان ﴿عجله﴾

در روزگاری که ما زندگی می‌کنیم مشکلات زیادی از پس پرده جهل درآمده و جای خود را به علم داده است، مثلاً دیروز اگر میخواستند غائبی را پیدا کنند برایشان امر مشکلی بود و گاهی از محالات به حساب می‌آمد ولی امروز اکتشافات این مطلب را ثابت کرده که اگر بخواهند کسی و یا چیزی را پیدا کنند راحت است زیرا امکاناتی از قبیل ماهواره به وجود آمده که می‌تواند بسیاری از پنهانی‌ها را عکس برداری کرده و به جهان

مخابره کند، اما یکی از معجزات امام زمان علیه السلام این است که تاکنون احدی نتوانسته از اقامتگاه حضرت خبر بدهد، چنانچه حضرت زین العابدین علیه السلام در همین رابطه فرمود:

لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَ غَيْرِهِ
إِلَّا الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ^(۱)

هیچکس از دوستان و دیگران از اقامتگاه او اطلاع ندارد مگر آن کسی که متصدی خدمتگزاری اوست

حل مشکلات بوسیله امام زمان علیه السلام

یکی از معجزات امام زمان علیه السلام آنست که تمام مشکلات به وسیله حضرتش حل میشود و دیگر هیچ صعب و سخت و مشکلی نمی ماند، اینک از متن حدیث حضرت امام جواد علیه السلام

استفاده می‌کنیم

هُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَنِيَّتُهُ، وَ هُوَ الَّذِي
تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ وَ يَذِلُّ كُلُّ صَعْبٍ (۱)

او (حضرت مهدی «عج») همنام و هم‌کنیه رسول خداست و او کسی است زمین زیر پایش «طی» میشود و هر مشکلی در برابرش آسان می‌گردد.

سیمای بی‌سایه

یکی از معجزات امام زمان ما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که زمین زیر پای حضرتش (طی) میشود و وجود شریفش سایه ندارد، اینک اصل حدیث را از بیان حضرت امام رضا علیه السلام میخوانید

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَ

وُضِعَ الْمِيزَانُ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ، فَلَا يَظْلِمُ
 أَحَدٌ أَحَدًا، وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَ
 لَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ^(۱)

وقتی که (حضرت مهدی (عج)) ظهور کرد زمین به نور
 پروردگار زمین می درخشد، او ترازوی عدل را برقرار
 می کند و یکی از خصوصیاتش این است که زمین برایش
 طیّ (پیچیده) میشود و برای او سایه ای وجود ندارد

تسلط کامل به همه زبان ها

ابو حمزه نصیر خادم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
 میگوید که امام حسن عسکری علیه السلام خادمهای زیادی از
 ترک و رومی و صقلابی و غیره داشت، مکرّر دیده شده
 که با آنها با زبان خودشان سخن می گفت ابو حمزه
 شگفت زده شد زیرا امام حسن عسکری در مدینه متولد

شده پس چگونه این مطلب در دل ابو حمزه خطور کرد، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رو به سوی او کرد و فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَبَانَ حَجَّتَهُ مِنْ سَائِرِ خَلْقِهِ وَ
 أَعْطَاهُ مَعْرِفَةَ كُلِّ شَيْئٍ فَهُوَ يَعْرِفُ اللِّغَاتِ وَالْأَنْسَابَ وَالْحَوَادِثَ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ
 الْحُجَّةِ وَالْمَحْجُوجِ فَرْقٌ^(۱)

خداوند عزوجل حجّت خود را از دیگر مخلوقاتش ممتاز آفریده، شناخت هر چیزی را به او عطا فرموده، او همه زبان‌ها و نسب‌ها و رویدادها را می‌داند و گرنه بیان حجّت خدا و دیگران فرقی نبود

بنابراین یکی از معجزات امام زمان ما هم همین است که با هر کس و هر ملت و مردمی تماس بگیرد به زبان همان‌ها سخن می‌گوید

داوری بین یهود و نصاری

در بعضی از اوراق و صفحات این کتاب آورده‌ایم که در زمان حکومت امام زمان علیه السلام فقط اسلام حاکم است و بس ولی در بدایت امر اگر بنا شود یهودیان و یا مسیحیان با حضرتش بحثی داشته باشند یکی از معجزات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که به وسیله تورات با یهودی‌ها و به وسیله انجیل با مسیحی‌ها مباحثه می‌نمایند چنانچه در حدیث آمده:

يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ
الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ فَيُسْلِمُونَ^(۱)

در میان یهود با تورات خودشان و در میان مسیحیان با انجیل آنها حکم می‌کند، آنگاه اسلام می‌آورند.

قاضی‌های عصر امام زمان (عج)

یکی دیگر از معجزات امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فرجه الشَّریف جریان قضاوت آن زمان است،

شما میدانید قاضی در هر کشوری از برنامه خاص آن مملکت استفاده می‌کند، در زمان امام عصر علیه السلام هیچ آئینی جز اسلام حاکم نخواهد بود لذا برنامه قضاوت همان خواهد بود که در آئین اسلام آمده است ولی در بعضی از مسائل و مطالبی که سابقه ندارد چه باید کرد؟ در حدیث شریفی که ذیلاً میخوانید تکلیف قضات مشخص است

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا
قَامَ الْقَائِمُ (بَعَثَ) فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ
إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدَكَ (فِي) كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ
عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ،

فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا^(۱)

امام صادق (ع) فرمود وقتی حضرت قائم قیام می کند در هر اقلیمی مردی را می گمارد و میفرماید برنامه ات در کف دستت قرار دارد وقتی برایت مطلبی پیش آمد که نمی دانی نگاه به کف دستت کن و هرچه در آن نوشته عمل کن.

عمران و آبادی در عصر ظهور

دنیای امروز ما نسبت به دیروز از جهات مختلفه متفاوت است از جمله: عمران و آبادی، به این معنا، در مقایسه سالها و ماههائی که بر ما گذشت اصولاً عمران و آبادی در سطح جهان شکل و قیافه دیگری به خود گرفته و باید اذعان داشته باشیم دکور دنیا عوض شده ولی باز هم امکانه دیگری می بینیم همچنان بجای خود و

به حال اوّل باقی است، اما وقتی که حضرت مهدی
روحي فداه (امام زمان ما) تشریف فرما میشود هیچ
ویرانه و خرابه‌ای نمی ماند مگر آنکه آباد میشوند
چنانچه در حدیث شریف آمده است

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا وَ عَمْرًا^(۱)

زمان شکوفائی ظهور آنحضرت: در روی زمین هیچ
نقطه ویرانی نمی ماند مگر آنکه آباد خواهد شد
اینهم از معجزات حضرت است که انشاء... واقع
خواهد شد

آشکار شدن گنجهای پنهان

از جمله معجزات امام زمان عجله این است که گنجهای
پنهان برای آن حضرت آشکار میشود چنانچه امام
محمد باقر عجله در ضمن حدیثی میفرماید

وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ^(۱)

ظاهر میشود برای آن حضرت گنجها

شایان ذکر است: در ازمنه گذشته سرمایه گذاران سرمایه‌ها و ثروت‌های خود را که طلا و یا نقره‌های مسکوک بوده در یک موضع و مکان خاصی دفن می‌کردند و برای حفظ اندوخته به کسی نمی‌گفتند تا از دستبرد محفوظ بماند، چه بسا اتفاق افتاده که صاحبان ثروت از دنیا رفتند ولی زر و زیور و کنز و گنج همچنان مخفی است و قرن‌ها از دفن و اختفای آن گذشته و کسی اطلاع ندارد

یکی از کرامات و معجزات حضرت بقیة الله الاعظم این است که تمام آن گنجهای پنهان ظاهر میشود.

پیروزی جهانی و سلطنت ابدی

۱- منتخب الاثر باب ۲۵ فرازی از حدیث ۱

گرچه در بعضی از کتاب‌ها دوران حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را محدود نقل کرده‌اند ولی در این حدیث شریفی که میخوانید پیروزی آنحضرت شرق و غرب عالم را فرامی‌گیرد و سلطنت و حکومتش تا دامنه قیامت ادامه دارد،

وَ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ
مَغَارِبَهَا وَ يَمْتَدُّ سُلْطَانُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^(۱)

خداوند متعال با دستهای مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مشارق و مغارب زمین (همه کره زمین) را فتح می‌کند و سلطنت آنحضرت تا روز قیامت ادامه دارد.

اینچنین فتح و پیروزی جز از طریق اعجاز و معجزه امکان ندارد بنابراین یکی از معجزات حضرت پیروزی جهانی است.

امام زمان علیه السلام و معجزات انبیاء

تنها پیامبری که معجزات انبیاء از حضرتش صادر میشد حضرت رسول اکرم صلوات الله و سلامه علیه بود، گاهی از رسول خدا صلی الله علیه و آله معجزه‌های مانند معجزه حضرت عیسی علیه السلام میخواستند، طولی نمی‌کشید خواسته خودشان را می‌دیدند و گاهی معجزه پیامبران دیگر اما بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله درباره هیچ پیشوائی از پیشوایان چنین مطلبی را در کتاب نخواندیم ولی در رابطه با امام زمان مهدی علیه السلام آمده

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیه السلام مَا مِنْ مُعْجَزَةٍ مِنْ مُعْجَزَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ إِلَّا يُظْهِرُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِثْلَهَا عَلَى يَدِ قَائِمِنَا لِإِتْمَامِ الْحُجَّةِ عَلَى الْأَعْدَاءِ^(۱)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ معجزه‌ای از

۱- منتخب الاثر باب ۴۶ فرازی از حدیث ۳ نقل از اربعین خاتون آبادی

معجزات انبیاء و اوصیاء نیست مگر آنکه خداوند متعال مثل آن را در دست قائم ما (حضرت مهدی) ظاهر می‌کند تا بر دشمنان اتمام حجّت نماید.

مرکب ابر، یا براق نور

مرکب‌های سواری روزگار پیشین چهارپایان بودند که هیچ قابل مقایسه با مرکب‌های سواری امروز نیستند، اسب و قاطر و الاغ و شتر و کجاوه و محمل کجا اتومبیل و ترن و هواپیما کجا، مرکب‌های روز را می‌توانید مقایسه کنید با مرکب امام زمان علیه السلام

سَيَرُّ كِبُ السَّحَابِ وَ تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ

بر مرکب ابر و براق نور می‌نشیند و شرق و غرب عالم را می‌پیماید و زمین زیر پایش می‌پیچد

وسایل همراه

آنحضرت (امام زمان علیه السلام) با زره و تازیانه و عمامه و پیراهن و کمان و کلاه خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ذوالفقار علی علیه السلام و عصا و حَجَر حضرت موسی و انگشتر سلیمان می آید در حالتیکه تاجی از نور بر سر دارد...^(۱)

موفقیت‌های معجزه آسا

سلاح‌های اتمی و هیدروژنی که در جهان امروز متداول است موجب شده که قدرتمندان از یکدیگر بترسند و همین ترس و رعب و وحشتها توسعه پیدا کرده تا جایی که افراد عادی از یکدیگر می‌ترسند ولی یکی از موفقیت‌های معجزه آسای حضرت بقیة الله این است که در زمان ظهور حضرتش عاملین ترس و رعب و وحشت (یهود و نصاری) ریشه کن شده و در حکومت اسلامی هیچگونه خلاف امنیتی وجود نخواهد داشت و

۱- آخرین سفیر انقلاب جلد ۲ صفحه ۲۶۱ با تغییر عبارت

این مطلب در میان درندگان و حیوانات وحشی هم راه پیدا می‌کند،

ابن عباس در تفسیر آیه: **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** فرموده:

لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى لَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَلَا
نَصْرَانِيٌّ وَلَا صَاحِبُ مِلَّةٍ إِلَّا دَخَلَ فِي
الْإِسْلَامِ، حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاةُ وَالذَّبُّ^(۱)

این در زمانی است که یهود و نصرانی در جهان باقی نماند و همه مسلمان میشوند و گرگ و میش و سایر حیوانات در امان و امنیتند

ناگفته نماند در این حدیث نامی از حضرت ولی عصر نیست ولی سیاق مطلب نشان می‌دهد که از موفقیت‌های معجزه‌آسای حضرت است.

سرور و خوشحالی اهل آسمان و زمین

یکی دیگر از معجزات امام زمان علیه السلام این است که با ظهور و تشریف فرمائی آن حضرت جمیع موجودات ارضی و سماوی خوشحال و مسرور و فرحناک خواهند شد

زیرا در حدیثی از رسول خدا صلوات الله و سلامه علیه شنیده شده که حضرت مهدی بعد از ظهور به شام خواهد رفت: جبرئیل پیشاپیش حضرتش و میکائیل در کنارش

آنگاه فرمود: اهل آسمان و زمین و پرنده و وحشی‌ها و ماهیان دریا فرحناک و مسرور خواهند شد

ناگفته نماند که خوشحالی پرندگان و کیفیت فرح و سرور ماهیان دریا ممکن است از حیطة فکر ما خارج باشد ولی از نظر حضرت رسول اکرم صلوات الله و سلامه علیه روشن تر از شمس است

اینک متن سخن پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر شما می‌گذرد

يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالطَّيْرُ وَالْوَحْشُ
وَالْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ^(۱)

اهل زمین و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا با
تشریف فرمائی امام زمان خوشحالند

امام زمان عليه السلام و اصحاب کهف

اینهم یکی از معجزات امام زمان عليه السلام است که
میخوانید: چون مردم کم و بیش از اصحاب کهف
باخبرند دیگر لازم به شرح نیست ولی همینقدر لازم
است بدانیم که خداوند متعال در قرآن مجید از آنها ذکر
خیر کرده و فرموده: **إِنَّهُمْ فَتِيَةٌ آمَنُوا**، آنها جوانانی بودند
که ایمان آوردند و از طاغوت زمان خود فرار کردند و به
غار پناهنده شدند که قرآن مجید میفرماید **فَأُوِّلِيَ
الْكَهْفِ، وَ لِي كَهْفٍ** در کجا قرار گرفته اختلاف است، **أَمَّا**

در روایتی که ذیلاً می‌خوانید حضرت ولی عصر علیه السلام بعد از ظهورش با آنها تماس می‌گیرد

يُقَالُ إِنَّ الْمَهْدِيَّ عليه السلام يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ فَيُحْيِيهِمْ
 اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ، ثُمَّ يَرْجِعُونَ إِلَى رَقَدَتِهِمْ فَلَا
 يَقُومُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^(۱)

گفته شده که حضرت مهدی علیه السلام بر اصحاب کهف سلام میدهد و خدا آنها را (برای دیدن حضرت زنده می‌کند) سپس به حال اول برمی‌گردند دیگر بر نمی‌خیزند تا روز قیامت

از عجائب معجزات امام زمان علیه السلام

پیوسته شنیده‌ایم که حضرت موسی کلیم الله سنگی به همراه داشت که از آن دوازده چشمه جاری بود، چنانچه در قرآن مجید به این مطلب اشاره شده

فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ

اِثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا^(۱)

براساس روایات صحیححه آن سنگ اکنون خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که هنگام ظهور از آن استفاده می کند به این معنا که وقتی حضرت در ظهر کوفه که مقر و محل حکومت آن حضرت است مستقر شد دو نهر از آب و شیر بطور پیوسته ظاهر میشود و در حدیثی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: وقتی حضرت ظهور میکند و اراده مگه می نماید منادی ندا می کند هیچکس آب و غذا با خود حمل نکند، در هر منزلی که فرود می آیند حضرت آن سنگ را نصب می فرماید و چشمه ها از آن جاری میگردد، گرسنه ها سیر میشوند و تشنه ها سیراب گردیده و هیچ مشکلی نخواهند داشت، آن سنگ توشه ایشان است تا وارد نجف شوند و وقتی

۱- منتهی الآمال جلد ۲ خصائص حضرت مهدی علیه السلام

در ظهر کوفه مستقر گردیدند پیوسته آب و شیر از آن جاری میشود تا هر که گرسنه است سیر گردد و تشنه سیراب شود^(۱)

این یکی از عجائب معجزات امام زمان علیه السلام است که ملاحظه فرمودید.

قدرت فوق العاده امام زمان (عج)

یکی دیگر از معجزات امام زمان علیه السلام این است که با قدرت فوق العاده ای که خداوند متعال به وی عنایت فرموده می تواند بزرگترین درخت را با یک حرکت از جا برکند، چنانچه حضرت امام رضا علیه السلام در این مورد فرمود: حضرت قائم وقتی که ظهور می کند از نظر عمر سنّ بالائی دارد ولی قیافه اش جوان است اما دارای قدرتی است که:

۱- منتهی الآمال جلد ۲ خصائص حضرت مهدی علیه السلام

لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَىٰ أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَىٰ وَجْهِ
الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا^(۱)

اگر دست خود را به سوی بزرگترین درختهای روی زمین دراز کند از جا در می آورد.

تأثیر اشاره امام زمان علیه السلام در پرندگان

یکی دیگر از معجزات امام زمان علیه السلام این است که پرندگان هوا در اختیار حضرتند، و این از جمله مطالبی است که حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به آن خبر داده

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام

قَالَ يَوْمَ الْمَهْدِيِّ لِلطَّيْرِ فَيَسْقُطُ عَلَىٰ يَدِهِ^(۲)

از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که حضرت مهدی علیه السلام به مرغ هوا اشاره می کند، آن پرنده در

۱- بحار جلد ۲ صفحه ۳۲۲ حدیث ۳۰ - ۲- منتخب الاثر صفحه ۱۵۴ حدیث ۴۳

دست حضرت سقوط می کند

درخت کاری و سرسبزی و بهره برداری

ناگفته پیداست که درخت کاری و سبز شدن مستلزم زمان است و در انواع درختها هم این مطلب متفاوت بوده و هیچ غرس و کاشتن درختی نیست که فوری سبز شود ولی یکی از معجزات حضرت امام زمان (عجل الله فرجه) این است که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود

وَ يَغْرِسُ قَضْباً فِي بُقْعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ

فَيَخْضِرُ وَيُورِقُ^(۱)

تگه های بریده و خشک شده درخت را در مکانی از زمین می کارد سبز میشود و برگ می دهد

سابقه در تاریخ

این مطلب در تاریخ امامان ما سابقه دارد که یکی از آنها این است ابو و اسع محمد بن احمد نیشابوری گفت شنیدم از جدّه ام خدیجه دختر حمدان بن پسنده که گفت چون حضرت امام رضا علیه السلام وارد نیشابور شد و در محله‌ای بنام (فوزا) پیاده شد و در سرای جدّه من وارد گردید و بادامی در گوشه‌ای از خانه کاشت فوری درختی شد و در همان ساعت بار آورد و تا مدتی مردم از بادام آن درخت برای شفای می بردند و هر کس گرفتاری پیدا می کرد به جهت تبرک از آن بادام تناول می کرد و عافیت می یافت و هر کس درد چشم داشت از آن بادام بر چشم خود می گذاشت و از درد خلاص می گردید و زنانی که از درد زائیدن می نالیدند بادام آن درخت را می خورد و دردش سبک میشد و همچنین چهارپایان بیمار را به آن وسیله نجات می دادند، پس در دراز مدت آن درخت خشک گردید^(۱)

۱- منتهی الآمال جلد ۲ آثار امام رضا علیه السلام در نیشابور

شایان ذکر است که درخت مذکور جریان دیگری هم دارد که لازم ندیدم تمام آن را ذکر کنم، پس دانستیم که حضرت ولی عصر علیه السلام نیز مانند جدّ بزرگوارش حضرت امام رضا علیه السلام دارای چنین اعجازی است
ملاحظه و مطالعه فرمودید

خستگان عشق

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد
غم مخور آخر طبیب دردمندان خواهد آمد
آنقدر از کردگار خویشتن امیدوارم
که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد
کاخهای ظلم و بران میشود بر فرق عالم
مهدی موعود غمخوار ضعیفان خواهد آمد
دردمندان مستمندان بی پناهان را بگوئید
مصلح عالم پناه بی پناهان خواهد آمد

از خدای خویشتن امیدوارم من به زودی
 ناصر دین ناشر احکام قرآن خواهد آمد
 اصغر از خون گلو آخر مسوزان قلب ما را
 صبر کن مرحم‌گذار زخم پیکان خواهد آمد
 محسنا از ضربت مسمار گر مقتول گشتی
 عنقریب آن دادخواه بی‌پناهان خواهد آمد
 صبر کن یا فاطمه‌ای بی‌بی پهلو شکسته
 مهدیت با شیشه دارو و درمان خواهد آمد

دانستیهای در رابطه با امام زمان علیه السلام

۱- آنحضرت کهنسال ولی جوان رخسار است تا جایی
 که بینندگان بر این گمانند: چهل سال یا کمتر دارد،
 این مطلب مضمون حدیثی است که در ذیل میخوانید
 قَالَ الرَّضَا علیه السلام «عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخُ
 السِّنِّ شَابًّا الْمَنْظَرِ حَتَّىٰ أَنْ النَّاطِرَ إِلَيْهِ

لِيَحْسِبُهُ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا^(۱)

نشانه‌اش این است که کهنسال و جوان رخسار است تا به حدی که هر کس او را به بیند گمان می‌کند چهل سال یا کمتر می‌باشد

۲- امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ زَمِينَ رَا از لوٲ ستم و بیدادگری پاک می‌نماید، چنانچه در حدیث شریف از امام صادق علیه السلام آمده:

يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ ظَلَمٍ^(۲)

پاک می‌کند زمین را از جور و ظلم و ستم.

۳- از برکات وجود امام زمان علیه السلام بغض و کینه و دشمنی از دل‌های مردم زدوده میشود، چنانچه در حدیث شریف آمده که علی علیه السلام فرمود:

لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ^(۳)

کینه و دشمنی از دل‌های مردم رخت برمی‌بندد

۱- کمال الدین باب ۵۷ حدیث ۱۲ ۲- کمال الدین باب ۳۳ حدیث ۷

۳- بحار جلد ۵۲ باب ۲۷ حدیث ۱۱

۴- در زمان ظهور و حضور حضرت مهدی (عجل الله فرجه) در سراسر جهان غیر از خدا کسی پرستش نمیشود

لَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَشَرًا سِوَهُ عِبْدَ اللَّهِ غَيْرُ اللَّهِ (۱)

امام صادق (عجل الله فرجه) فرمود: در تمام گیتی سرزمینی نمی ماند که در آن غیر خدا پرستش شود

۵- تمام جبّاران و ستمگران هلاک خواهند شد، لطفاً به

حدیث ذیل توجه فرمائید

يُبِيرُ بِهٖ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ (۲)

امام کاظم (عجل الله فرجه) فرمود: خداوند به وسیله حضرت قائم

هر ستمگر سرکش را هلاک می سازد

۶- برکات ارضی فراوان میشود، یعنی زمین هرچند در

درون خود دارد بیرون می ریزد، و آسمان نیز از باریدن

باران خودداری نمی نماید... خداوند متعال آنچه را برای

مردم خیر و برکت پیش می آورد که مردگان آرزوی

بازگشت به زندگی می نمایند، اینک متن حدیث را از

۲- کمال الدین باب ۳۴ حدیث ۶

۱- کمال الدین باب ۲۳ حدیث ۳۱

بیان رسول خدا ﷺ بخوانید

لَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ،
وَلَا السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً إِلَّا صَبَّهَ اللَّهُ
عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً...

تَتَمَنَّى الْإِحْيَاءَ الْأَمْوَاتِ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ
عَزَّوَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرِهِ^(۱)

زمین آنچه از برکات در درون خود دارد بیرون می ریزد
و آسمان نیز از بارش و باریدن چیزی فروگذار
نمی کند...

آنقدر خدای مهربان خیر و برکت بر مردم نازل می کند تا
جائیکه مردگان آرزوی بازگشت به زندگی می نمایند

۷- پیروزی های پی در پی نصیب امام زمان ﷺ خواهد

شد چنانچه امام باقر ﷺ خبر داد

أَنَّهُ لَا تَرُدُّ لَهُ زَايَةً^(۲)

۱- منتخب الاثر فصل ۲ باب ۱ فراهی از حدیث ۱۳

۲- کمال الدین باب ۳۶ حدیث ۲

هرگز پرچم امام مهدی عجله شکست خورده
بر نمی‌گردد

۸- سرنگونی دولتهای باطل در قیام و انقلاب حضرت
مهدی عجله در حدیثی از حضرت امام باقر عجله
میخوانیم:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ ^(۱)

با قیام و انقلاب حضرت مهدی عجله دولتها و
حکومت‌های باطل، سرنگون خواهند شد
۹- حکومت حضرت مهدی عجله مخصوص به یک
قاره نیست بلکه فراگیر جهانی خواهد بود، چنانچه
حضرت امام باقر عجله فرمود:

يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ ^(۲)

سلطنت (حکومت) امام مهدی عجله شرق و غرب
جهان را دربر می‌گیرد

۱- منتخب الاثر، فصل ۷ باب ۲ حدیث ۳

۲- کمال الدین باب ۳۲ حدیث ۱۶

۱۰- دوستی و صمیمیت بین مردم آنچنان پدید می آید که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُزَامِلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ
إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ^(۱)

در زمان قیام حضرت قائم رفاقت و دوستی بین مردم به جایی می رسد که در کیسه برادر مؤمن هر چه میخواهد برمیدارد و هیچ منعی هم در کار نیست

۱۱- پرچم امام زمان علیه السلام از جنگ بدر تا کنون وجود دارد، در حدیث شریف میخوانیم

وَ هِيَ رَايَةٌ رَسُولِ اللَّهِ نَزَلَ بِهِ جِبْرَائِيلُ يَوْمَ
بَدْرٍ...

پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف همان پرچم رسول خدا است که جبرئیل در روز بدر آورده^(۲)

۱- بحار جلد ۵۲ باب ۲۷ فرازی از حدیث ۱۶۴

۲- بحار جلد ۵۲ صفحه ۳۶۰ فرازی از حدیث ۱۲۹

۱۲- حضرت مهدی امام زمان ما عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فرجه هنگام ظهور با عمامه و شمشیر رسول خدا ﷺ ظهور می‌کند، چنانچه در حدیث از بیان حضرت رسول ﷺ آمده:

عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَتِي، مُتَدَرِّعٌ بِدَرْعِي مُتَقَلِّدًا
بِسَيْفِي... (۱)

بر سرش عمامه من و بر تنش زره من است و شمشیرم را نیز همراه دارد.

۱۳- زمانی که امام زمان ظهور می‌کند آنچه‌ان روزگاری است که کسی به کسی رحم نمی‌کند، چنانچه این حدیث گفتار ما را تأیید می‌نماید

فَلَا الْكَبِيرُ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ لَا الْقَوِيُّ يَرْحَمُ
الضَّعِيفَ، فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ (۲)

نه بزرگ بر کوچک رحم می‌کند و نه قوی بر ضعیف، در

۱- بحار جلد ۵۲ صفحه ۳۸۰ فرازی از حدیث ۱۸۹

۲- بحار جلد ۵۲ صفحه ۳۸۰ فرازی از حدیث ۱۸۹

چنین موقعیتی خدا به امام زمان اجازه خروج می دهد
 ۱۴- در عصر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیازمند
 یافت نمیشود، حدیثی که در این رابطه میخوانید دلیل
 روشن بر ادعای ما است

لَا تَرَىٰ مُحْتَاجًا إِلَىٰ الزَّكَاةِ وَ أَصْحَابُ
 الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَىٰ الْمَحَاوِجِ مِنْ شِيعَتِهِ
 فَلَا يَقْبَلُونَهَا فَيَصْرُوهَا وَ يَدُورُونَ فِي
 دُورِهِمْ فَيَخْرُجُونَ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ: لَا حَاجَةَ
 لَنَا فِي دَرَاهِمِكُمْ^(۱)

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود (در زمان حکومت
 حضرت مهدی علیه السلام) محتاج دیده نمیشود و صاحبان
 زکوة به خانه محتاجان شیعه می روند آنها نمی پذیرند،
 ناچار در کیسه قرار می دهند و در خانه ها می گردند اهل
 خانه بیرون می آیند و می گویند ما نیازی به درهم های
 شما نداریم

۱۵- حضرت مهدی علیه السلام از اموال جمع شده به مردم

می دهد حدیث ذیل شاهد زنده ای است بر این مقال

وَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا كُلِّهَا..... فَيُعْطِي

عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ^(۱)

اموال دنیا نزد حضرت مهدی روحی له الفداء جمع

میشوند..... حضرت آنچنان عطا می کند و می بخشد که

پیش از این به مردم پیشین داده نمی شد

۱۶- دیدارهای عصر حضرت مهدی عجیب است، زیرا

در حدیث آمده: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالمَشْرِقِ

لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي المَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي

المَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي المَشْرِقِ^(۲)

شخص مؤمن در زمان حضرت قائم علیه السلام برادر خود را

از مشرق زمین در مغرب می بیند و بر عکس

۱- بحار جلد ۵۲ صفحه ۳۹۰ فرازی از حدیث ۲۱۲

۲- بحار جلد ۵۲ صفحه ۳۹۱ حدیث ۲۱۳

۱۷- نور پرچم امام زمان علیه السلام از مشرق تا مغرب را روشن می نماید، امام صادق علیه السلام فرمود

يَنْشُرُ زَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ إِذَا نَشَرَهَا أَضَاءَ لَهَا
مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ^(۱)

حضرت مهدی علیه السلام پرچم رسول خدا را به اهتزاز در می آورد و آن پرچم بین شرق و غرب جهان را روشن می نماید

۱۸- در پرچم حضرت مهدی علیه السلام نوشته کوتاهی است که خیلی جلب توجه می کند و ما آن را از کتاب بحار الانوار علامه مجلسی نقل می کنیم

رُوي أَنَّهُ يَكُونُ فِي زَايَةِ الْمَهْدِيِّ علیه السلام
إِسْمَعُوا وَاطِيعُوا ^(۲)

روایت شده: بر پرچم حضرت مهدی آمده: بشنوید و اطاعت کنید

۱- بحار جلد ۵۲ صفحه ۳۹۱ حدیث ۲۱۴

۲- بحار جلد ۵۲ صفحه ۳۰۵ حدیث ۷۷

۱۹- زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام این ندا از آسمان شنیده میشود:

أَيُّهَا النَّاسُ قَطَعَ عَنْكُمْ مَدَّةُ الْجَبَّارِينَ ^(۱)

ای مردم دوران حکومت ستمگران پایان یافت

۲۰- دعای امام زمان علیه السلام از بیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، که می بینیم او (حضرت مهدی) از وادی السبیل به سوی مسیل سهله میرود در حالی که بر اسبی مقید و لجام زده سوار است و در دعای خود میگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ
صِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ
مُؤْمِنٍ وَحَيِّدٍ، وَ مُذِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ، أَنْتَ
كَفَيْ حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ وَ تَضِيقُ عَلَيَّ
الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ

اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَ كُنْتَ غَنِيًّا عَن خَلْقِي وَ لَوْلَا
نَصْرُ كَايَاتِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مُنْشِرُ

الرَّحْمَةَ مِنْ مَوَاضِعِهَا، وَ مُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ
 مِنْ مَعَادِنِهَا، وَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ
 الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزَّةٍ يَتَعَزَّزُونَ، يَا مَنْ
 وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ،
 فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ، فَكُلُّ
 لَكَ مُذْعِنُونَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي وَ تُعَجِّلَ لِي
 فِي الْفَرَجِ وَ تَكْفِنِي وَ عُافِينِي وَ تَقْضِي
 حَوَائِجِي، أَلْسَاعَةَ السَّاعَةِ السَّاعَةَ اللَّيْلَةَ
 اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْئٍ قَدِيرٌ^(۱)

سپاسگزاری

در پایان، خدا را شکر می‌کنم که به تالیف و طبع و نشر
 این کتاب توفیق داد، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ